

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کاد

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

سال سوم - چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۳۶۰

شماره ۱۱۷ - ۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

در انتخابات ریاست جمهوری فعالانه شرکت کنیم

در صفحه ۲

اقدامات خشونت آمیز و اعدام ها مغایر مصالح انقلاب است

● وظیفه انقلابی همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست آگاه حکم می کند که با گسترش دامنه خشونت ها و توسعه جو تروریسم مبارزه کنند و اجازه ندهند که تحولات در سمت و سوی امتداد یابد که امپریالیسم برای عملی ساختن هدف های شوم خود به آن نیازمند است.

در صفحه ۴

صلح رمضان

نیرنگ تازه صدام برای فریب مردم

■ "صلح طلبی" های رژیم صدام و مشوقان و حامیان آن تا وقتی که بر ادامه اشغال نقاط مرزی میهن ما پای می فشارند ، چیزی نیست مگر توطئه های علیه انقلاب و دستاوردهای آن . بدون تردید ، تلاش همه جانبه برای دفع تجاوز و شکست ارتش متجاوز صدام ، بارزترین نشان پشتیبانی خلق ما از مردم و نیروهای ترقیخواه و انقلابی عراق در مبارزه علیه رژیم صدام است .
در صفحه ۱۶

☆ شهادت رفیق

منصور حدیری

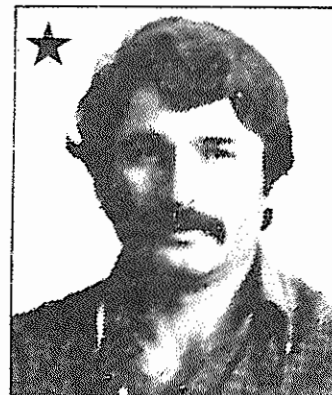
در جبهه "تنگ حاجیان"

" برای اینکه باز هم فریاد

مرگ بر امریکا در هر گوشه میهنم

طنین افکن باشد به جبهه می روم "

در صفحه ۵



☆ فدایی خلق رفق شهید منصور حدیری

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی به کمیته مرکزی
حزب متحد کارگری لهستان
در صفحه ۱۱

در این شماره:

دولت باید با برخورد مسئولانه به تشنج در پالایشگاه
شیراز و اصفهان پایان دهد
در صفحه ۷

یاد
شهادت ۱۰ قاتل شهر راگرمی بداریم
ابتکار انقلابی کارگران مجتمع
شیمیائی پرسولیس اصفهان
در راه اندازی کارخانه

ارکانهای انقلاب
در خدمت زحمتکشان

با نام فوا
در برد است محصول
به روسانان کتاب کنیم

میلیونها دهقان زحمتکش بی صبرانه منتظر
اجرای بند ج. و. ه. هستند

اضهارات نماینده سیمای جمهوری اسلامی ایران

در باره بحث ایدئولوژیک

نادرست و مغرضانه است
در صفحه ۱۹

گوینده تلویزیون هیچ اشاره ای به نامه ای که برای شورای سرپرستی ارسال داشته ایم و در همین شماره به چاپ رسیده است ، نکرد .

ما در انتظار اعلام آمادگی شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای ضبط برنامه های بحث ایدئولوژیک ، سیاسی و اقتصادی هستیم .

متحد شویم

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

در انتخابات ریاست جمهوری

فعالان نه شرکت کنیم

مروری بر

دو سال ونیم تجربه

موضوع انتخاب رئیس جمهور اکنون مورد توجه همه سازمان‌ها و احزاب و محافل سیاسی و توده‌های وسیع خلق است.

نوشته حاضر به بررسی جوانب مختلف این موضوع پرداخته است.

از همان وقتی که مردم پایه‌های حکومت شاه را سست می‌کردند، دو گرایش متفاوت به تدریج خود در حکومت خود را آماده می‌کرد. یکی از ابتدا می‌خواست جلوی سیل را بگیرد، شاه را در سلطنت نگهدارد، اساس دستگاه حکومتی را دست نزند و همان مهره‌های سابق را به کار بگمارد و ایران را همچنان با کشورهای امپریالیستی مربوط بدارد بطوریکه زنجیرهای وابستگی به امپریالیسم گسیخته نشود. گرایش دیگر از ابتدا می‌خواست سیل جاری شود، شاه برود، ایران جمهوری شود، نهادهای حکومتی جدید بنیان‌گذاری و مهره‌های سابق کنار زده شوند و ایران به کشورهای امپریالیستی وابسته نباشد. رفتن شاه و بختیار و آمدن امام یک شکست فاحش و آمدن بازرگان و دولت موقت یک پیروزی موقت برای گرایش اول بود که با تسخیر سفارت و سقوط بازرگان حدوداً بازپس گرفته شد.

بنی‌صدر که سازمان ما در انتخابات ریاست جمهوری هم در دور اول و هم در دور دوم به او رای نداد، بتدریج سیاست و روش خود را نزد مردم آشکار ساخت. طرفداری و پایبندی وی به نظم سرمایه‌داری، شیفتگی او به دموکراسی بورژوائی و خصومت مفرط وی با اتحاد شوروی و ملل سوسیالیست او را به نقطه امید همه ————— اروپائی و ژاپنی آن) و نقطه اتکاء همه نیروهای سلطنت طلب، مشکوک، لیبرال، سازشکار و جریان‌های گم‌کرده راه و کج روش بدل کرد. از این‌نظر انتخاب بنی‌صدر به

انقلاب در مبارزه در راه سرنگونی رژیم شاه فعالانه شرکت داشته باشد و آن زمان نیز در متن صحنه بوده باشد.

۲- بعد از انقلاب هم در عمل نشان داده باشد که دشمن سرسخت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است. کسانی که طرفدار امپریالیسم جهانی منهای امریکا هستند، دوست انقلاب ما نیستند و صلاحیت ریاست جمهوری ندارند.

۳- از چهره‌های سرشناس ضد لیبرالیسم و خط سازش با امپریالیسم باشد. در تمام دوران دو سال و نیم بعد از انقلاب علیه این گرایش سازشکارانه پیکار کرده باشد.

۴- با عناصر مشکوک و ناشناخته و محافل سرمایه‌داران و ملاکین مراوده و پیوند و همکاری نداشته باشد. اطرافیان وی چه در سالهای قبل و چه در سالهای بعد از انقلاب از یاران وفادار و شناخته شده انقلاب باشند.

۵- خودبین و خودمحور- بین نباشد. بر خود نبالد، بر مردم ببالد. در عمل نشان داده باشد که می‌کوشد تمام نیروهای وفادار به انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی را با هر عقیده و مسلکی که باشند، متحد سازد و توان انقلاب را افزایش دهد نه اینکه نیروها را از حول جمهوری بپراکند و مردم را از انقلاب، از این جمهوری و از خود نومید سازد.

۶- در تمام این مدت از اجرای برنامه‌ها و اصلاحات مردمی مثل اجرای کامل اصلاحات ارضی، ملی‌کردن بازرگانی خارجی و عمده فروشی داخلی، جیره‌بندی کالاهای ضروری، گسترش شبکه تولید و عرضه تعاونی، تغییر قوانین به سود کارگران و زحمتکشان بطور جدی جانبداری کرده باشد.

۷- کسی باشد که کاردانی و تدبیر داشته باشد، بتواند دوستان و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب را بشناسد، مجری صدیق قانون اساسی باشد و در این راه کفایت و صداقت خود را به ثبوت رسانده باشد.

امروز کسی که دارای این ویژگی‌هاست صلاحیت اشغال مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران را داراست. کسی که این ویژگی‌ها و مختصات را دارا باشد، مدافع و پشتیبان پیگیر خط ضد امپریالیستی و مردمی امام

خمینی است. زیرا این یک واقعیت است که نقطه اتکای اصلی تمام نیروهای که در دوساله اخیر علیه جریان سازش و گرایش مدافع سرمایه‌داران و فئودال‌ها مبارزه کرده‌اند، مشخصاً و در عمل رهبری امام خمینی بوده‌است. کسی که این ویژگی‌ها و مختصات را دارا باشد، پیرو راستین خط امام است.

از این نظر فدائیان خلق ایران "اکثریت" که امکان گزینش رئیس جمهوری که دارای این ویژگی‌ها باشد را به لحاظ تناسب قوای موجود فراهم می‌بینند، در انتخاب ریاست جمهوری شرکت می‌کنند و به کسی رای می‌دهند که حتی الامکان از ویژگی‌های فوق بهره‌مند باشد.

تحریم انتخابات

تاکتیک لیبرالی است

اما چرا وظیفه نیروهای انقلابی است که در انتخابات شرکت کنند؟ زیرا انتخاب رئیس جمهوری درحقیقت چیدن میوه‌ای مبارزاتی است که علیه جریان متمایل به غرب و مدافع سرمایه‌داران و ملاکین در جمهوری اسلامی ایران در دوساله اخیر جریان داشته است. با شرکت در انتخابات رئیس جمهوری باید نشان داد که اکثریت خلق در صحنه‌اند و علیه امریکای جنایتکار و تمام‌ایادی داخلی و خارجی آن پیکار می‌کنند و می‌طلبند که این پیکار ادامه یابد و سازش نشود. با شرکت وسیع در انتخابات باید نشان داد که ترفند جدید لیبرال‌هایی که می‌خواهند از طریق تحریم انتخابات ریاست جمهوری مشروعیت و قانونیت این جمهوری خدشه‌دار شود، تا چه میزان محکوم به شکست و ناکامی است. مردم باید نشان دهند که شرکتشان در انتخابات ریاست جمهوری در گذشته و حال برای این است که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا در ایران به گور سپرده شود نه اینکه این مبارزه فراموش شود. اکنون پیروزی بزرگ خلق آن است که با شور و آگاهی شایسته انقلاب، رئیس جمهوری انتخاب کنند که به آنچه که خلق می‌گوید در عمل وفادار باشد. این مشت محکمی خواهد بود بر دهان پیاوه‌گویانی که از بلندگوهای امپریالیستی مدام می‌گویند که مردم ایران از ادامه راه

خونینی که پیموده‌اند، خسته و از انقلاب و آرمان‌هایش رویگردان شده‌اند. هر رای رای‌دهنده خود حکم ابطال این پیاوه‌سراشی‌هاست

تحریم، تاکتیک لیبرالی است. تمام بلندگوهای ضد انقلاب نیز وسیعاً غیرمشروع بودن انتخابات را تبلیغ خواهند کرد. از هاری‌ها و امینی‌ها و بختیارها و نزیه‌ها و مدنی‌ها و جبهه‌ملی‌ها و شرکاء که انقلاب ما با هر گامی که برداشته مشتت از این تفاله‌ها را دور ریخته است، چگونه می‌توانند این انتخابات را برحق، مشروع و قانونی بدانند؟ علاوه بر این تعادل نیروها در لحظه کنونی و فضای سیاسی حاکم بر جامعه اصلاً به این "رجال ورشکسته دیگر اجازه نمی‌دهد که خود را مدعی کرسی ریاست جمهوری اسلامی ایران معرفی نمایند. آنها که می‌بینند زمین پس در این جمهوری دیگر جایی برایشان باقی نیست، راهی ندارند جز انتخاب تاکتیک تحریم. تنها تحریم شدگانند که تحریم می‌کنند. کدام عاقلی می‌تواند تصور کند که اگر این رانده‌شدگان و رسواشدگان محلی از اعراب برای خود می‌یافتند، با سر نمی‌شتافتند؟ چون انقلاب آنان را نفی کرده است، آنان نیز دستاوردهای انقلاب را نفی می‌کنند. چه کسی باور می‌کند که اگر اوضاع مثل دو سال پیش بود، آنها امروز خود یکپا مدعی نبودند؟

همان‌گونه که در گذشته بارها تاکید کرده‌ایم، انقلاب ایران که هنوز مرحله ضد امپریالیستی و دمکراتیک را طی می‌کند، می‌باید بکوشد تمام نیروهای که هنوز گرایش استقلال‌طلبانه دارند را حفظ کند. این کوشش در سخنان و سیاست امام خمینی نیز به روشنی به چشم می‌خورد. از این نظر و با توجه به شکاف‌هایی که در جریان‌های بورژوائی پدید می‌آید، ممکن است برخی از شخصیت‌های این جریان‌ها که تمایل ملی دارند، شیوه تحریم را پیش‌نگیرند و ضمن پذیرش رهبری امام جای خود را در نظامی بیابند که سیاست غالب بر آن را قبول ندارند. هم‌چنین ممکن است برخی جریان‌های لیبرالی نیز در شرایط تناسب قوای کنونی به رئیس جمهور مورد تأیید امام و مردم رای دهند و بقیه در صفحه ۳

نقشه از صفحه ۲

در انتخابات ریاست ...

ترجیح دهند که مبارزه علیه انقلاب را به طرق دیگر ادامه دهند. شرکت این جریانها در انتخابات ریاست جمهوری و رای آنها چنانچه زیر فشار تناسست قوا به تأیید کاندیدائی منجر شود که دارای ویژگیهای مورد قبول انقلاب باشد، یک پدیده منفی نیست اما این امر نباید مردم را در شناخت ماهیت آنان منحرف سازد.

چنانچه هر یک از شخصیت‌های ملی و متمایل به لیبرالها بخواهند مستقلاً کاندیدای ریاست جمهوری شوند، در جریان کار آنها نیز به تدریج محور تشکل تمام جریانهای لیبرالی مشکوک، سازشکار سلطنت - طلب و بطور کلی ضد جمهوری و انقلاب بدل خواهند شد چنانچه چنین عناصری کاندیدا شوند، وظیفه همه نیروهای انقلابی است که مردم را از تقویت اینگونه جریانها منصرف سازند.

کاندیدای جداگانه قطب انقلابی کاذب است

در زمستان سال ۵۸ مسعود رجوی از سازمان مجاهدین خلق خود را کاندیدای ریاست جمهوری اعلام کرد. و مورد حمایت طیف نیروهای قرار گرفت که جای واقعی اکثر آنان در اردوی انقلاب بود. سازمان ما نیز در آن زمان از وی حمایت کرد. دلیلی که آن زمان برای تأیید این اقدام عنوان می‌شد، آن بود که می‌بایست در برابر "قدرت حاکم" و لیبرالها یک "قطب انقلابی" ایجاد کرد و "همه نیروهای واقعا انقلابی" را حول آن متشکل نمود. لکن این طرح با حذف مسعود رجوی نیمه‌کاره ماند. اکنون ببینیم آیا واقعا این سیاست، سیاستی درست و اصولی بوده است؟ به اعتقاد ما پاسخ به این سؤال منفی است. سیاست درست آن بود که کوشش می‌شد همه نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی

خلق با توجه به تناسب قوای عملا موجود حول یک کاندیدای واحد متحد می‌شدند. کاندیدائی که قبل از هر چیز بیانگر سیاستها و گرایشهای غالب برجسته نیروهای ضد امپریالیستی خلق در شرایط کنونی باشد. این کاندیدا طبعا می‌بایست از میان نزدیکترین فرد به نیروهای پیرو خط امام که خط غالب بر انقلاب است، انتخاب می‌شد در تناسب قوای موجود، ادامه یک چنین سیاستی اولاً شکل‌گیری و قوام جبهه واحد ضد امپریالیستی تمام نیروهای خلق را به تأخیر می‌اندازد، ثانیاً در ادامه خود (باز هم به علت تناسب قوای موجود) مدافعان آن را منفرد و از مردم جدا می‌کند، ثالثاً (باز هم به علت تناسب قوای موجود) در ادامه خود چون اصل را بر تقابل با نیروهای ضدامپریالیست حاکم قرار داده است و بر این اساس پدید آمده است، به همسوئی و سرانجام هم‌پیمانی و اتحاد عمل با تمام نیروهای کشیده می‌شود که در تقابل با نیروهای ضدامپریالیست حاکم قرار دارند و می‌خواهند آن را سرنگون کنند. تمام تجربیات اولین دور انتخابات ریاست جمهوری و آنچه که پس از آن تا امروز رخ داده است (حتی با احتساب اینکه نیروهای خط امام به علت بی‌تصمیمی و نابسامانی و تردید در آن شرایط موفق نشدند یک کاندیدای شناخته شده واحد و مورد اعتماد همگان عرضه کنند) دال بر درستی این استنتاجات است.

اعلام کاندیداتوری نیروهای انقلابی بیرون حاکمیت در شرایط فعلی نه تنها به شکل‌گیری یک قطب انقلابی منجر نمی‌شود، بلکه مشخصاً این جبهه‌بندی را از مضمون خود تهی و آن را از سایر نیروهای انقلاب دور و به یک "قطب انقلابی کاذب" بدل می‌سازد. در لحظه‌کنونی راه ایجاد یک قطب انقلابی واقعی و نیرومند، پیشبرد سیاست اتحاد میان همه نیروهای خلق و مقابله آگاهانه با هر شکافی است که از جانب هر یک از نیروها در این جبهه ایجاد شده و می‌شود. مبارزه در راه اتحاد نیروهای خلق بهترین راه ایجاد قطب انقلابی است و البته چنانکه می‌دانیم یک شرط هموار شدن راه این

اتحاد، طرد و انفراد جریانهای لیبرالی مدافع سرمایه‌داری است. زاهی که در تمام طول دو سال و نیمی که از انقلاب می‌گذرد اکنون از هر زمان هموارتر است.

نیروهای مجاهدین را به شرکت در انتخابات تشویق کنیم

هرچند این احتمال تقریباً منتفی است که سازمان مجاهدین خلق ایران با یک تصمیم قاطع و سرنوشت‌ساز و شجاعانه از راهی که می‌رود بازگردد، فعالیت خود را در چهارچوب قانون اساسی قرار دهد، اعمال خشونت و تروریسم را قویا محکوم کند و از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از یکی از کاندیداهایی که صلاحیت وی مورد تأیید قرار گرفته باشد استقبال نماید. اما وظیفه نیروهای انقلابی آن است که از این اقدام آنان متقابلاً استقبال نمایند سازمان ما به نوبه خود انتخابات ریاست جمهوری را فرصتی می‌دانیم که مجاهدین خلق با شرکت در آن راهی را که می‌رود تصحیح نمایند. در این لحظه این مهم است که آنها به چه کسانی رای بدهند. اما بسیار مهمتر آن است که رای دادن آنها فرصتی است که آنها را از جبهه براندازی، از توطئه‌گران علیه جمهوری اسلامی و از تمام نیروهایی که خود را غیر قانونی کرده‌اند سوا می‌کند. و در عین حال قشریونی را خلع سلاح می‌کند که از غلطیدن بازهم بیشتر مجاهدین به راهی که رفته‌اند خوشحال می‌شوند.

روشهای نادرست حکومت

اتخاذ سیاست درست از جانب نیروهای انقلابی خارج از حکومت یک وجه مسأله است آن هم وجه غیره عمده. مسئولیت عمده سرنوشت این انقلاب و این جمهوری بر عهده حکومت جمهوری اسلامی است. سایر نیروهای مدافع انقلاب می‌توانند در روندهای جاری در شرایط کنونی موثر واقع شوند. اشتباهات و ناکامی‌های اجتناب‌پذیری که تا امروز رخ داده است، قبل از همه بر عهده حاکمیت است. و از همین نظر است که مسئولیت اصلی در اینکه رئیس

جمهوری آتی ایران چه کسی باشد و چگونه عمل کند بر عهده نیروهایی است که نقش رهبری را در این جمهوری بر عهده دارند. متأسفانه گرایش نیرومندی که از تاسیس این جمهوری تا امروز آسیب‌های جدی به انقلاب وارد کرده است گرایشی است که راندن، منفرد کردن و محروم کردن خود از طیف وسیع نیروهای انقلابی را پیشه کرده است این گرایش قشری و تنگ‌نظرانه تا امروز هنوز درک نکرده است این سیاست تفرقه جویانه تا چه میزان خود او و امکان تحقق آرمان‌هایش را تضعیف می‌کند و او راه سوی توسل به روش‌های غیرقانونی و خشونت‌بار و تقابل با سایر نیروهای سیاسی می‌کشد.

اکنون در آستانه انتخابات ریاست جمهوری پرسیدنی است که چه فکری چه‌تمهیدی چه طرح و نقشه‌ای برای تشکل همه نیروهای مدافع انقلاب با هر عقیده و مرامی که باشند در نظر گرفته شده است؟ آیا واقعا از همه نیروهای برای شرکت موثرتر و فعال‌تر در نامزد کردن شخص صالح بهره‌گیری شده است؟ تاکنون چه کوششی به عمل آمده است که همه نیروها روی یک شخص مومن به انقلاب و خلق توافق نظر کنند؟ این سیاست گج و تنگ‌بینانه در سمت‌گیری نیروهایی که راه خود را آگاهانه برگزیده‌اند البته تأثیر نخواهد کرد و نباید بکند دیده‌ایم و خواهیم دید که اینگونه سیاستها جز تضعیف واضعان آن و تشدید مشکلات ثمری نخواهد داشت. آیا واقعا تا امروز به آنگونه که سازمان ما و نیروهایی چون حزب توده ایران و جنبش مسلمانان مبارز و حتی گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی سیاست اتحاد، سیاست جلوگیری از تفرقه و تشنج را تعقیب کرده‌اند سایرین هم که در حکومت هستند چنین شیوه و منشی را پیش‌گرفته‌اند؟ به شهادت پاکسازیها، برخورد با جریان‌های دیگر در جریان جنگ و امکانات فعالیت سیاسی و دهها و دهها نمونه دیگر پاسخ به این سؤال منفی است. ما قانون اساسی جمهوری اسلامی را با حفظ انتقادات اصولی خود پذیرفته‌ایم و خواهان التزام همگان به این قانون هستیم یکی از اساسی‌ترین انتقادات

به این قانون آن است که به همه عناصر و جریان‌های سیاسی مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران حق معرفی کاندیدای ریاست جمهوری نمی‌دهد. این محدودیتی است نامعقول و غیرعادلانه و نافی اراده مردم و آرمان‌های انقلاب زیرا که فقط برای پیروان شناخته شده مذهب تشیع حق نامزدی قائل است. لکن اولاً حتی با وجود این محدودیت نیز شرکت در انتخابات اصولی است، ثانیاً حتی در نبود این محدودیت نیز در شرایط فعلی اعلام کاندیدای جداگانه از جانب گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی عملی نادرست است

به هر حال گرچه گرایش قشری و تنگ‌نظرانه چه در انتخاب نامزد ریاست جمهوری و چه در سایر جوانب حیات اجتماعی، سهم قابل ملاحظه‌ای دارد، با این همه مخرب‌ترین روش تصحیح یا مهار ساختن این گرایش‌ها دامن زدن به جو ترور و ارباب و خشونت تشنج و ناآرامی است وقایع روزهای اخیر نشان می‌دهد که روش مقابله به مثل تا چه حد به زیان انقلاب و مایه خشونتی و راحت‌خاطر دشمنان ماست. تجربه دو ساله اخیر نشان می‌دهد که چگونه متانت انقلابی پیگیری در دفاع از خلق و از انقلاب افشای بیرحمانه دشمنان انقلاب و پیشبرد فعالانه سیاست اتحاد میان نیروهای خلق امکان مبارزه با گرایش‌های قشری انحصار - گرانه و تنگ‌نظرانه موجود در طیف وسیعی از نیروهای جمهوری اسلامی را فراهم‌تر و هموارتر می‌سازد. برای آرام سازی جو ناآرام کنونی، پایان دادن به تشنجاتی که تنها امپریالیسم از آن سود می‌برد، بسط تفاهم و همکاری میان نیروهای خلق مهارسازی و تضعیف و یا تصحیح گرایش خودبین و تنگ‌نظر افشاء و طرد بازهم جدی‌تر جریان‌های سازشکار و خنثی‌سازی تبلیغات محافل امپریالیستی و ضدانقلابی، همه نیروهای انقلابی و مبارز را به شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری دعوت می‌کنیم.

* * *
سازمان ما در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس نیز شرکت می‌کند. رهوس سیاست سازمان در این زمینه نیز هفته آینده درج می‌شود.

اقدامات خشونت آمیز و اعدام ها معیار مصالح انقلاب است

خشونت بار دیگری که اینجا و آنجا صورت گرفته است، مطابق همه تجربیات تاریخی، و به گواه همه تجاربی که تاریخ مبارزات مردم میهنمان به ویژه از روزهای انقلاب بهمن تا به امروز کسب کرده ایم، بیشترین زیان و آسیب را در همین زمینه به انقلاب وارد می سازد و بیشترین فرصت را برای امپریالیست ها و متحدان آن در همین زمینه فراهم می سازد.

بعلاوه این اقدام ها و دیگر اقدامات خشونت آمیز عواقب دیگر زیر را نیز به همراه دارد:

۱- تصویری واژگونه و خلاف واقع، تصویری تیره و ناخوشایند از انقلاب ما در انظار مردم جهان ترسیم می کند. امپریالیست ها و تمامی جبهه ضدانقلاب در جهان فرصت می یابند حقانیت انقلاب ما را زیر علامت ستوال برند. نتیجه چنین چیزی تضعیف جنبش های انقلابی در منطقه، دور کردن زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه جهان از انقلاب ما، مشروعیت بخشیدن به اقدامات خشونت آمیز و تروریستی حکومت های وابسته به امپریالیسم و مشروعیت بخشیدن به اقدامات جنایتکارانه امپریالیست ها علیه انقلاب ایران است.

این اقدامات خشونت بار به امپریالیست ها و همه مزدوران آن در سطح جهان فرصت می دهد از همدردی مردم جهان نسبت به انقلاب ما و نسبت به مبارزات ضد امپریالیستی ما بکاهند و بر زمینه ذهنیتی که در جهان پدید می آورد سیاست های تجاوزکارانه خود را در منطقه خاورمیانه به پیش برند. این اقدامات حتی نیروها و دول ترقیخواه پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی را که از انقلاب ما دفاع می کنند در وضعی دشوار قرار می دهد و رژیم های ارتجاعی عراق، عربستان، پاکستان، ترکیه و امثال آن بیشترین بهره برداری سیاسی را از آن خواهند کرد.

۲- در صحنه داخلی این اقدامات خشونت بار مردم را از جمهوری اسلامی دور می سازد و نوعی احساس عدم امنیت در مردم ایجاد می کند. این احساس که در جمهوری اسلامی خیلی از جرائم سیاسی می تواند اقدام برای براندازی حکومت جمهوری اسلامی به حساب آید و متهمان تحت عناوینی مثل محارب، باغی و غیره به جوخه اعدام سپرده می شوند، قطعاً نمی تواند با واکنش منفی مردمی که اکثراً به فعالیت های سیاسی جلب شده اند، روبرو نگردد. این اقدامات خلاف آن گرایش ترقیخواهانه ای است که می خواهد مردم را برای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی در صحنه نگهدارد. وقتی مردم احساس کنند که دستگاه های قضائی کشور از طرفی دست کسانی را که به اجتماعات و میتینگ هایی مثل میتینگ میدان آزادی یورش می برند، باز می گذارد، دست کسانی را که کتابخانه ها و دفاتر سیاسی را به آتش می کشند باز می گذارد و از سوئی جرائم نیروهای سیاسی رابه خشن ترین شکل ممکن

اگر این جریانات نتوانند و یا نخواهند مشی به شدت انحرافی خود را اصلاح کنند، تاریخ قضاوتی سخت درباره آنها خواهد داشت.

۳- عامل دیگری که در ایجاد جو خشونت و ناآرامی ها، بسیار موثر است، گرایش های قشری و تنگ نظرانه برخی محافل جمهوری اسلامی است. گرایش هایی که به جای تلاش در استقرار و رعایت قانون اساسی، حقوق فردی و اجتماعی مردم را زیر پا گذاشته و عملاً از تقابل با نیروهای سیاسی استقبال می کند. گرایش هایی که تاکنون ضرباتی سخت به انقلاب و به وحدت توده های مردم و نیروهای انقلاب وارد ساخته است و متأسفانه همچنان در جمهوری اسلامی ریشه دارد و قوی است.

وظیفه انقلابی همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست آگاه حکم می کند که با گسترش دامنه خشونت ها و توسعه جو تروریسم مبارزه کنند و اجازه ندهند که تحولات در سمت و سوئی امتداد یابد که امپریالیسم برای عملی ساختن هدف های شوم خود به آن نیازمند است.

ما مقامات جمهوری اسلامی و مدافعان انقلاب را به این سخنان امام خمینی توجه می دهیم که مردم را به آرامش فراخواندند. ایشان در سخنان خود تأکید کردند که کسی حق ندارد خودش سر خود کسی را تنبیه کند بلکه باید مجرم را به مقامات قانونی تحویل دهد. امام در جای دیگری تأکید کرد که حادثه انفجار مقر حزب جمهوری نباید سبب شود که مقامات به اقدامات خشونت آمیز متوسل شوند. این سخنان نشان دهنده آن است که آنهایی که به اقدامات خشونت آمیز متوسل می شوند و عملاً جو تشنج و درگیری را گسترش می دهند، در هر مقامی که باشند سیاستی غیر از آنچه رهبری انقلاب بر آن تأکید دارد، به پیش می برند.

براستی برای امپریالیسم و نوکران داخلی آن چه چیزی از آن مطبوع تر که در جو خشونت و ترور، زمینه را برای پیشبرد هدف های جنایتکارانه خود فراهم آورد.

وقتی هر روز عده های از اعضاء و هواداران جریانات سیاسی به جوخه اعدام سپرده شوند، قطعاً ضدانقلاب و نوکران امپریالیسم بیشتر و با خیال آسوده تر فرصت می یابند به اقدامات پلید خود ادامه دهند. در واقع با گسترش درگیری هرچه بیشتر میان حکومت جمهوری اسلامی ایران و جریانات چپ رو زمینه گسترش تشنج و ناآرامی فزونی می یابد و بر چنین رمینه های دست امپریالیسم و نوکرانش برای اقدامات جنایتکارانه بیشتر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بازر و بازر تر می گردد و ادامه این روند همان است که امپریالیسم و متحدان داخلی آن می خواهند.

روشن است که همه کسانی که در مقام دفاع از جمهوری اسلامی و یا در مقام دفاع از انقلاب در پدید آوردن و گسترش چنین روندی شرکت می کنند

عملاً آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند. امپریالیسم این دوستان نادان انقلاب را دشمنان نادان خود می داند که می تواند در عملی ساختن اهداف پلید خود، آنان را وسیله قرار دهد. اقدام های وسیع روزهای اخیر و اقدامات

بیش از دوهفته است که حکومت جمهوری اسلامی، در قبال حوادث اخیر و در مقابله با چپ روی ها و اقدامات آنارشیستی برخی جریانات سیاسی، به شیوه های خشونت بار و اعدام روی آورده است.

در دوهفته اخیر تقریباً همه روزه عده های دختر و پسر هوادار و یا عضو جریانات سیاسی مخالف جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده اند. بسیاری از اعدام شدگان نوجوان و برخی از آنان دانش آموز بوده اند. نام برخی از آنها و حتی جرم آنها به روشنی و صراحت معلوم نبوده است. تقریباً در همه استان های ایران عده های اعدام شده اند. مواردی هم وجود دارد که عده های با شعار "حزبالله" به منازل افراد حمله ور شده و مرتکب ضرب و جرح و قتل شده اند. برخی از خشونت ها و قتل ها بسیار فجیع بوده است و قاتل یا قاتلین با اقدامات سبعانه خود به عنوان نمونه در جهرم، کازرون و جیرفت انزجار مردم را برانگیخته اند.

اکثریت توده های مردم، بسیاری از طرفداران و مقامات مسئول جمهوری اسلامی این اقدامات خشونت آمیز را تأیید نمی کنند. آنها به تجربه روزمره خود دریافته اند که این اقدامات خشونت بار نمی تواند در جهت تفاهم توده های مردم، در جهت حفظ آرامش و امنیت و بطور کلی مصالح مردم و جمهوری اسلامی ایران باشد. آنها در قبال این اقدامات خشونت بار اظهار نگرانی می کنند و نسبت به آن هشدار داده اند. دو گروه از این اقدامات ابراز شادمانی می کنند: یکی دشمنان آگاه انقلاب و دیگری دوستان ناآگاه انقلاب.

برای آنکه عواقب و زیان های اقدامات خشونت بار را واضح تر مشاهده کنیم، بهتر است توجه کنیم که امپریالیسم امریکا که با برکناری بنی صدر عملاً تاکتیک "دولت میانه رو" را برای به شکست کشاندن انقلاب نقش بر آب دیده است به تاکتیک ایجاد جو خشونت و تشنج و گسترش تروریسم در ایران روی آورده است امپریالیسم امریکا حال که "میانه روها" از قدرت طرد شده اند چاره را در گسترش تروریسم و کشمکش های داخلی یافته است و همه توان خود را در این راه به کار گرفته است. بمب گذاری ها، ترور ها و خرابکاری هایی که در گوشه و کنار کشور اتفاق می افتد، شایعات متعدد ضدانقلاب و سیاست تبلیغاتی رادیوها و مطبوعات امپریالیستی همگی دال بر آن است که امروز امپریالیسم همه امید خود را به گسترش جو خشونت و تروریسم در ایران بسته است. می توان گفت که زمینه های خشونت ها و کشمکش ها عبارتند از:

۱- تلاش های گسترده امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب داخلی. این جبهه ضدانقلابی امروز بگونه ای همه جانبه در پیرامون مرزهای ایران و در درون ایران تلاش دارد اقدامات تروریستی و خرابکارانه را گسترش دهد و ایران را به تشنج و ناآرامی بکشد.

۲- دومین عامل موثر در ایجاد زمینه های تشنج و ناآرامی در شرایط کنونی ایران، انحرافات اساسی جریانات چپ رو و آنارشیست است که با تحلیل های سراپا اشتباه خود از طرفی نیروهای خود را زیر ضرب برده و از طرف دیگر زمینه های تشنج و ناآرامی و خشونت را گسترش داده اند.

گرامی باد خاطره رفیق رباب آل عبدالله

در اواخر تابستان ۵۶ چندتن از دانشجویان مبارز ایرانی خارج از کشور در ارتباط و به کمک دانشجویان هوادار جهت پیوستن به جنبش مقاومت فلسطین وارد لبنان شدند. رفیق رباب آل عبدالله در میان رفقای اعزامی به جبهه نبرد با اشغالگران و متجاوزین صهیونیست بود. شجاعت و پایداری، احساسات عمیق انترناسیونالیستی و ایمان به راه ظفرنمون خلق، رفیق رباب را به جبهه‌های پیکار علیه ایادی و دست نشانندگان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در نوارهای مرزی جنوب لبنان، می‌طلبید. رفیق به همراه سایر رفقای رزمنده خویش جهت آموزش نظامی به یکی از پایگاه‌های نوار مرزی لبنان "قطاع الاوسط" اعزام شد. در مدت کوتاهی رباب توانست تمامی مراحل سخت آموزشی را فراگیرد. آموزش انواع سلاح‌ها، عملیات انفجاری و فنون جنگ چریکی عملیات چریکی شبانه جهت ضربه به نیروهای مزدور صهیونیسم و... مراحل بودند که رفیق به خوبی و با موفقیت گذرانید. در یکی از عملیات که نصب و انفجار یک بمب قوی بود (تله انفجاری) رباب آنچنان با مهارت و شکیبایی مسئولیت خویش را به انجام رسانید که تحسین تمامی فرماندهان و مربیان پایگاه را برانگیخت در این مدت، کارآئی نظامی رفیق به سطح توان بهترین رزمندگان "قطاع الاوسط" ارتقاء یافت. بطوریکه پس از چندی شایستگی نام "مقاتل" (جنگجوی فلسطینی) را برای خود کسب نمود. شجاعت، تیزهوشی، متانت و خونسردی در حین انجام عملیات از جمله خصائل بارز رفیق بود. رفیق شبها به همراه سایر یاران و رزمندگان و همسنگران تا سپیده صبح در کمین‌های "المزرعه"، "کونین"، "عیناتا" و... در حالیکه در دستی سلاح و در دست دیگر نارنجک

رامی فشرد به دفاع و پاسداری از آرمان والای خلق فلسطین مشغول بود. با شروع جنگ ۱۹۷۸ جنگی که با حمله ناگهانی اشغالگران صهیونیست به جنوب لبنان آغاز شد، عده زیادی از مردم بی دفاع جنوب لبنان کشته و مجروح شدند و با اشغال دهها کیلومتر از خاک نوار مرزی جنوب لبنان توسط اسرائیلی‌ها، هزاران نفر خانه و کاشانه خود را رها نموده و به خیل آوارگان پیوستند. در این جنگ رباب در کنار رفقای فلسطینی سوری، لاتینی، مصری و... سلاح در دست با قلبی مالا مال از خشم و کین از نژاد پرستان و متجاوزین صهیونیسم و با عزمی پولادین و مسلح به علم رهائشی زحمتکشان فعالانه شرکت جست. رباب عید ۵۷ را، تحویل سال نو را زیر آتش هواپیماها در پناه مغازه‌های "قانا" در کمین و در مقابل تانک‌های دشمن آغاز کرد به همانگونه که خلق قهرمان میهنش چون آتش در دل خاکستر خود را آماده جهلم شهیدان تبریز می‌کرد. بهار ۵۷ به سختی بر رفیق گذشت. قلب او در میهنش و برای مبارزه در آنجا می‌تپید او خود را آماده می‌ساخت تا به میهن برگردد. رباب عرصه نبرد علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را تنها در میدان‌های رزم و سنگرهای مقاومت نمی‌دید بلکه آموختن علم رهائی استثمار شوندهگان ارتقاء بیش از پیش دانش سیاسی وی آگاهی یافتن از تجارب مبارزات سایر خلقهای جهان را میدانی دیگر از میدانی پیکار علیه ارتجاع جهانی می‌دید و به همین جهت با تلاشی خستگی ناپذیر از همزمانش می‌آموخت و هرآنچه را که آموخته بود، به یاران خویش می‌آموخت. یارانی که چون رباب هرکدام از خلقی و از نقطه‌ای از چهارگوشه جهان که جهت نبرد و اضمحلال

نژادپرستی و ارتجاع و نابودی سنگر سرمایه‌داری جهانی در این گوشه از سرزمین فلسطین اشغالی، سلاح به دست گرد آمده بودند. رفیق جهت کسب و فراگیری تجارب جنبش مقاومت فلسطین و شناساندن جنبش رهائی‌بخش خلق قهرمان میهنمان به عنوان یکی از وظایف مرمخ خویش فعالانه در تلاش بود رباب در مدت کوتاهی که در میان آوارگان فلسطینی به سر می‌برد، توانست پیوند عمیقی را مابین خود و زنان و کودکان آواره‌ای که در اردوگاه‌های اطراف پایگاهش بودند، برقرار سازد. ایمان به قدرت تاریخساز توده‌ها که سرچشمه در علم راه سرخ رهائی زحمتکشان داشت، رباب را در اهمیت نزدیکی و پیوند هرچه بیشتر با زحمتکشان سوق می‌داد. در آستانه قیام خونین بهمن‌ماه که خلق قهرمان میهنمان در گرماگرم مبارزه‌ای سخت و جانکاه با رژیم دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا بود و با عزمی راسخ کمر به نابودی یکی از سیاه‌ترین دیکتاتورهای جهان می‌بست، مأموریت سازمانی رفیق در جبهه‌های فلسطین به اتمام رسید. او به آرزویش رسید و به همراه دیگر رفقای فدائیش راهی ایران شد. رفیق رباب در کنار دیگر رفقای سازمانی در جریان قیام همدوش و پیشاپیش توده‌های رزمنده میهنمان در تسخیر شرکت جست و سپس در ستاد سازمان در تهران مسئولیت آموزش نظامی رفقا را بر عهده گرفت. مسئولیتی که با تلاش شبانه‌روزی و خستگی ناپذیر انجام می‌داد. متأسفانه رفیق رباب در هفته گذشته در اثر بیماری سرطان درگذشت. مرگ نابهنگام رفیق تمام رفقای سازمانی را در اندوه عمیق فرو برد. ما یاد عزیز رفیق لیلا و خاطره تابناک مبارزاتش را گرامی می‌داریم.

رفیق شهید، منصور حیدری:

«برای اینکه باز هم فریاد

مرگ بر آمریکا

در هر گوشه میهنم طنین افکن

باشد به جبهه می روم»

خلق رزمنده ما مصمم است تا بیرون راندن کامل متجاوزین عراقی و برقراری صلح عادلانه ایستادگی نماید و در این راه هرروز دسته‌ای از انقلابی‌ترین فرزندان خود را فدای استقلال و آزادی میهن می‌کند. رفیق منصور حیدری طبق رهنمود سازمان از اولین روزهای شروع جنگ تحمیلی با شوری بی‌پایان به جبهه‌های مقاومت شتافت و تا آخرین نفس همدوش پاسداران، سربازان و سایر نیروهای مردمی با متجاوزین مزدور جنگید و سرانجام جان پاکش را فدای سرفرازی خلق قهرمان ایران نمود.

و در گوشه دفاتر و کتاب‌هایی که تنها یادگار و تنها ثروتی است که از او به جا مانده نوشته است، بهترین معرف آرمان انقلابی و روحیه سلحشور و تسلیم ناپذیر رفقای ماست. فدائی خلق، رفیق شهید منصور حیدری در سال ۱۳۳۲ در روستای حسن آباد از توابع قروه در استان کردستان دیده به جهان گشود. در یک سالگی مادر و در دوسالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی اقوام خویش قرار گرفت. تا کلاس ششم ابتدائی ضمن انجام کار طاقت فرسای کشاورزی در روستا درس خواند سپس در دبیرستان علویان همدان تا اخذ دیپلم ادبی به درس ادامه داد. او ناچار بود در ایام تعطیلی کار کند و خرج تحصیل و زندگی خود را شخصا تهیه نماید. یکی از دوستان دوران تحصیلش در باره او می‌گوید: منصور تمام زندگیش با کمترین هزینه زندگی می‌کرد. در این رابطه تن به هرچه سختی و مشقت بود داد و همین زندگی خشن از او شخصیتی منکی به خود، قاطع، پرتلاش و خستگی ناپذیر در شکل گرفته

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

باد

شهدای ۱۰ تیر قائم شهر را گرامی بداریم

● در ۷ تیرماه ۱۳۵۴، ۲۶۰۰ تن از کارگران کارخانه شماره ۲ نساجی قائم شهر برای تحقق مطالبات صنفی - رفاهی خویش دست به اعتصاب زدند. کارگران مبارز نساجی قاطعانه و بطور یکپارچه خواهان برکناری رئیس کارخانه (که از پرداخت " سود ویژه " امتناع می کرد) شدند. این اعتصاب که از جمله مهمترین اعتصاب کارگری سالهای قبل از انقلاب بود، ابتدا از قسمت بافنده شروع شد و به تدریج به قسمت های دیگر گسترش یافت و از همان لحظات اول در اوضاع مداخله وحشیانه پلیس و نیروهای سرکوبگر دیگر، اعتصاب کارگران از کارخانه به خیابان ها کشیده شد و مردم قائم شهر خصوصا دانش آموزان و روشنفکران انقلابی یه کارگران مبارز پیوستند. کارگران زیر آب و چیت سازی به شهر نیز پشتیبانی و حمایت بیدریغ خود را از کارگران قهرمان قائم شهر اعلام داشتند. رژیم مزدور شاه برای درهم

شکستن این حرکت اعتراضی اوج گیرنده به نیروهای سرکوبگر محلی بسنده نکرد و گارد شهربانی تهران را نیز برای سرکوب اعتصاب به قائم شهر روانه کرد. اما کارگران نه تنها عقب نشستند، بلکه با صفوفی فشرده تر بر مقاومت قهرمانانه خویش در مقابل مزدوران سرکوبگر افزودند. مزدوران رژیم شاه در جریان تیراندازی به صفوف کارگران ۴ تن از آنان را شهید و دهها تن دیگر را مجروح کردند. کارخانه به حالت تعطیل درآمد و گروهی از کارگران رزمنده اسیر و زندانی شدند. رژیم شاه به دنبال این سرکوب خونین به مدت ۹ روز در شهر حکومت نظامی اعمال کرد تا امواج اعتراضی دیگر را فرو کوبد. اعتصاب یکپارچه کارگران نساجی قائم شهر و حمایت اقشار مختلف مردم از آنها خون تازه ای در رگ جنبش کارگری ایران جاری ساخت و نویدبخش فراز تازه ای از مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران شد. این

اعتصاب در شرایطی که رژیم سفاک پهلوی، تمامی شکل های مبارزاتی کارگران را از هم پاشیده و سندیکاهای زرد را بر کارگران تحمیل کرده بود، صورت گرفت، اما این اعتصاب به نوبه خود استیصال و زبونی رژیم منحط آریامهری را در برابر صفوف فشرده و فریادهای اعتراضی یکپارچه کارگران، به ثبوت رسانید. اکنون، طبقه کارگر ایران با بهره گیری از تجارب مبارزاتی سالهای خفقان و تجارب و آموزش های سترگ سه ساله انقلاب، استوارتر و مستحکم تر از پیش، نبرد ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری را مصمانه پیش می برد تا انقلاب را از خطر توطئه ها و دسایس رنگارنگ دشمنانش چه در جبهه های جنگ و چه در سنگر کارخانه محفوظ دارد و دستاوردهای انقلاب را که میراث خونین کارگران شهید قائم شهر و دهها هزار رزمنده زحمتکش دیگر است پاسداری کند.

جاودان باد خاطره کارگران شهید قائم شهر

به خواست منطقی کارگران تخلیه و

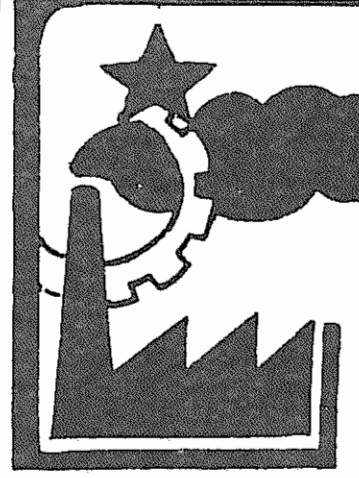
بارگیری بندرعباس رسیدگی کنید

● با شروع تجاوز آمریکایی رژیم صدام و اشغال قسمتی از خاک میهنمان و غارت بندر خونین شهر، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران این بندر، پس از مدت ها بلا تکلیفی به اداره کل بندر و کشتیرانی بندرعباس (مجتمع جدید - التاسیس آزادی) اعزام گردیدند. از آنجا که به علت کمبود مسکن، اسکان خانواده های این کارگران در بندرعباس امکان ناپذیر بود این خانواده ها به شهرهای دیگر کشور انتقال یافتند با توجه به این مساله بین کارکنان اعزامی و مسئولین سازمان بندر موافقتی به عمل آمد که طی آن مقرر شد، کارکنان اعزامی ۱۵ روز از ماه را بطور شیفتی و مرتب کار کنند و ۱۵ روز دیگر را به دیدن خانواده های خود بروند. با این نحوه کار نه تنها خللی در امر تخلیه و بارگیری کالاها بوجود نمی آمد، بلکه حتی راندمان کار در طی ماه گذشته افزایش نیز پیدا کرد و از مرز ۲۰ هزار تن در روز گذشت. اما متأسفانه معاونت جدید وزارت راه و ترابری و مدیر عامل سازمان بندر و کشتیرانی بلافاصله پس از انتصابش طی تلگرافی خودسرانه تصمیم به لغو این توافق گرفت و همین امر موجب بوجود آمدن رکود نسبی در کار تخلیه و بارگیری کالاها در بندر شد. برغم تماس ها و مذاکرات مکرری که کارگران اعزامی بندر با مسئولین امور داشتند، متأسفانه مقامات مسئول

سازمان بندر و کشتیرانی بر این تصمیم ناسنجیده خود پا فشاری می کنند و کوچکترین توجهی نیز به عوارض و بی آمدهای سوء تصمیمات بی مورد خود ندارند. بدیهی است که این گونه تصمیمات بی جا نه تنها موجب سلب حداقل شرایط رفاهی لازم از کارکنان جهت کار مسئولانه و مشتاقانه آنها می شود (بلکه اساساً به همین دلیل) زمینه ساز کاهش بهره وری و ایجاد اختلال در امر تخلیه و بارگیری نیز هست. مسئولین سازمان بندر و کشتیرانی ایران باید بدون کوچکترین فوت وقت به خواست کارگران جنگ زده که به رغم مصائب ناشی از جنگ تحمیلی و دوری از خانواده های خود، ایثارگرانه کار و تلاش شبانه روزی جهت تخلیه و بارگیری کالاها در بندر می پردازند، توجه کرده و بیش از این موجبات سلب آرامش از کارکنان و ایجاد وقفه و رکود در کار بندر را فراهم نسازند. رکود در کار مجتمع جدید التاسیس آزادی که باعث اختلال در امر تخلیه و بارگیری بندر می شود، بیش از هر چیز موجبات خشنودی و رضایت دشمنان انقلاب را فراهم می سازد. مسئولین جمهوری اسلامی باید با اتخاذ تصمیمات منطقی و تدابیر عاجل مبتنی بر منافع کارگران و مصالح انقلاب راه را بر توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی ببندند.

ابتکار انقلابی کارگران مجتمع شیمیایی پرسپولیس اصفهان

در راه اندازی کارخانه



برسانند. تلاش مداوم و روزافزون کارگران و مهندسين متعهد کارخانه در راه اندازی قسمت " فرمالین " کارخانه که نقش اساسی در تولید مجتمع را دارا است موجب می شود که مواد اولیه سایر قسمت ها نیز تامین شود و چرخهای تولید کارخانه به گردش درآید. تهیه و تولید مواد فرمالین در ایران برای اولین بار به همت اندیشه مبتکر و دستهای توانای کارگران و کارشناسان انقلابی انجام گرفت که این خود نمونه ای دیگر از حضور فعالانه کارگران ایران در صف

صنایع شیمیایی پرسپولیس وابسته به بنیاد مستضعفین شیراز، از بعد از انقلاب تا مدتی پیش به علت نبود مواد اولیه دچار رکود تولید بوده است. از آن هنگام تا کنون کارگران همگام با سایر کارکنان متعهد و انقلابی، با تلاش شبانه روزی و فداکاری های بیدریغ درصدد راه اندازی این مجتمع بوده اند. تا از این طریق وظایف انقلابی خویش را در جهت پیشبرد امر مبارزه ضد امپریالیستی و کاهش وابستگی و پی ریزی استقلال اقتصادی به نوبه خود به انجام

مقدم تکامل انقلاب است ابتکار انقلابی کارگران مجتمع شیمیایی پرسپولیس گام موثری است در بی نیاز شدن این صنعت از کارشناسان اسرائیلی و آمریکایی و در عین حال محرک های است برای کارکنان انقلابی دیگر صنایع در مبارزه مشترک و واحدشان برای احیای صنایع مستقل و تامین خودکفایی اقتصادی

کارگران مبارز ایران!

با مداوم تولید و افزایش بازدهی کار

جنبه انقلاب را تقویت کنید

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پشت از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



دولت باید با برخورد مسئولانه به تشنج در پالایشگاه شیراز و اصفهان پایان دهد

● در هفته اول تیرماه بار دیگر شاهد ایجاد تشنج در پالایشگاه‌های شیراز و اصفهان بودیم. همان‌گونه که قبلاً نیز در کار اشاره شده بود، در نیمه اول خرداد ماه، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز بدون اعتناء به توافق‌های حاصله میان نمایندگان شوراهای نفت (پالایشگاه‌های ایران)، به نحوی غیرمسئولانه و بطور شتابزده به حرکات اعتراضی و طرح خواسته‌هایی چند دست می‌زند و دیدیم که چگونه به دنبال آن نمایندگان مترقی و متعهد "کمیته پیگیری" (سراسری)، به طرق گوناگون کوشیدند تا با تعدیل آن خواسته‌ها در چارچوبی منطقی و اتخاذ روش‌های مسئولانه در طرح و پیگیری این مطالبات، تلاش‌های خرابکارانه عناصر ماجراجو را خنثی نموده و از این طریق از بروز آشوب و تشنج در پالایشگاه‌ها جلوگیری کند اما برخی عناصر که متأسفانه در مواضع رهبری شوراهای پالایشگاه‌های شیراز و اصفهان نیز قرار دارند، در دام توطئه‌های لیبرالی افتاده و با حرکات اعتشاش آفرین خود در جلسات مجمع عمومی کارکنان، اقدام شتابزده و ناسنجیده "تحریم غذای رستوران" را به کارکنان تحمیل نمودند.

پس از آن نیز ضدانقلابیون لیبرالها و چپ‌روها کوشیدند تا به منظور تشدید جو تشنج و درگیری در سطح جامعه، به وسایل مختلف این اعتصاب غذا را به پالایشگاه‌های دیگر از جمله پالایشگاه تهران سرایت دهند در نتیجه این‌گونه تشبثات اخلاک‌گرا در تاریخ ۶ تیر تعدادی از کارکنان کنترل ۲ جنوبی و شمالی و روغن سازی پالایشگاه تهران نیز دست به تحریم غذای رستوران زدند. اگرچه این اقدامات تحت تأثیر رویدادهای دو هفته اخیر، به‌ویژه شهادت ۷۲ تن از مسئولین دولت جمهوری اسلامی فروکش کرد، لیکن از آنجا که زمینه اصلی این

قبیل حرکات همچنان باقی است. ما تذکر نکات زیر را ضروری می‌شماریم:

۱- اگر طرح خواسته‌های کارکنان با توجه به تنگنای عینی کنونی در انطباق با مقتضیات و امکانات واقعی صورت گرفته باشد و اگر در پیگیری آنها از شیوه‌های سنجیده و منطقی (منطبق با مصالح انقلاب) استفاده شود، ضدانقلابیون و مدیران لیبرال و عناصر ماجراجو هرگز نمی‌توانند با ماسک فریبکارانه دفاع از مطالبات کارگران وارد میدان شده و با ایجاد آشوب و تشنج مقاصد خرابکارانه خویش را جامه عمل بپوشانند. پس از تشنجات ماه گذشته پالایشگاه شیراز که در زیر پوشش خواسته‌هایی انجام شد که برغم حقانیت کلی‌شان از نحوه طرح اصولی و سنجیده‌ای برخوردار نبودند، شورای متحد پالایشگاه تهران طی اطلاعیه‌ای مواضع خود را در قبال این خواسته‌ها اعلام نموده و آنها را به صورت زیر تعدیل کرد:

الف) تثبیت حقوق شورائی، طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی (ب) امنیت شغلی و قضائی طبق اصول ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی و رسیدگی به وضع دستگیر شدگان صنعت نفت و پاکسازیها و ادارات غیر قانونی.

ج) برای مقابله با تورم و کمبود کالاها: (۱) ملی کردن تجارت خارجی طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، (۲) گسترش تعاونی‌ها بخصوص تعاونی مصرف صنعت نفت.

د) تدوین قوانین مترقی و انقلابی پرسنلی با شرکت تشکل‌های موجود در واحدها در نتیجه تجدید نظر در مورد نوبتکاری‌ها، سختی کار، ترفیعات، انتصابات، مرخصی‌ها و...

ه) واگذاری زمین زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ از طریق شرکت‌های تعاونی مسکن به کارکنان و کمک دولت به ایجاد واحدهای مسکونی. (و) گسترش و فعال نمودن بهداری و بهداشت.

ما همه شوراهای مبارز پالایشگاه‌های کشور، و بخصوص شوراهای شیراز و اصفهان را (در طرح و پیگیری خواسته‌هایشان) به پیروی از این رویه سنجیده و منطقی فرامی‌خوانیم. ما از تمامی نمایندگانی که ناآگاهانه در طریق ناصحیح گام گذاشته‌اند می‌خواهیم که با در نظر گرفتن شرایط حساس کنونی که امپریالیسم و عوامل و مزدورانش با تمام نیروی خود سعی می‌نمایند جو اغتشاش و آشوب را در جامعه ما دامن زنند، از هرگونه اقدام تشنج‌آفرین در سطح پالایشگاه‌های کشور خودداری نمایند. کارکنان مبارز و نمایندگان انقلابی و متعهد شوراهای پالایشگاه‌های سراسر کشور و به‌ویژه پالایشگاه‌های شیراز و اصفهان باید با حرکت متین و استوار خود در راستای انقلاب و در سمت اهداف مردمی آن، صفوف مبارزاتی خود را از عناصر ضدانقلابی و لیبرال پاک سازند و توطئه‌های ضدانقلابی آنها را که می‌کوشند با به تحصن و اعتصاب کشاندن کارگران، جو پالایشگاه‌ها را همچنان متشنج نگه‌دارند، عقیم گذارند.

۲- همچنین مسئولین دولتی و به‌ویژه دست اندرکاران صنعت نفت باید در شیوه‌های تنگ‌نظرانه و غیرمسئولانه خود در

برخورد با خواسته‌های کارکنان پالایشگاه‌ها تجدید نظر اساسی نموده و بیش از این با خطاها و مسامحه - کاری‌های خود راه را بر توطئه‌های ضدانقلاب و لیبرالها هموار ننمایند. بدون تردید نفتگران قهرمان میهن ما همان‌گونه که تاکنون در جریان تدارک و پیروزی انقلاب بنهن و پس از آن در جریان تداوم و گسترش آن و به‌ویژه در جنگ مقاومت کنونی علیه تجاوز امریکائی رژیم صدام (در جبهه و پشت جبهه) نشان داده‌اند حاضر به تحمل دشواری‌ها و ابراز فداکاری‌های عظیم در راه اهداف انقلاب هستند لیکن این مسئله هیچگاه به معنای آن نبود که مسئولین امور دست رد بر سینه خواسته‌های منطقی و بحقی بزنند که پاسخ در خور و شایسته به آنها در شرایط کنونی نه تنها مقدور است بلکه ضرورت تحکیم و تداوم انقلاب ما نیز می‌باشد. از این گذشته، همان‌گونه که قبلاً نیز متذکر شدیم، مقامات مسئول دولت و شرکت نفت به بهانه به رسمیت نشناختن شوراهای نمایلی به مذاکره با نمایندگان شوراهای نشان نمی‌دهند و این امر به تحریکات ضدانقلابیون، لیبرالها و چپ‌روها بیش از پیش میدان می‌دهد. این مقامات عمدتاً به ماده ۱۴ لایحه شورای انقلاب استناد

می‌کنند که تشکیل شوراهای در واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی (مانند نفت) را منوط به تصمیم و تصویب هیئت وزیران نموده است. اینگونه بهانه‌جوئی‌ها، آن هم در شرایط حساس کنونی تنها به سود دشمنان انقلاب بوده و وضع را بیش از پیش بغرنج می‌نماید. در طول یکماه اخیر نیز از سوی آقای آیت‌اللهی نماینده ویژه نخست‌وزیر در وزارت نفت بخشنامه‌های متعددی صادر گردید بر غیرقانونی بودن شوراهای در نفت صادر شده است که به بلا تکلیفی و همچنین جو سوءظن و عدم تفاهم کنونی به مقیاس زیادی دامن زده است. دولت و مسئولین وزارت نفت باید با پرهیز از برخوردهای یکجانبه و تنگ‌نظرانه باب مذاکره را با نمایندگان مترقی و متعهد شوراهای کارکنان نفت باز نموده و با پاسخ اصولی به مطالبات شوراهای نفتگران در جهت نیل به تفاهم بیشتر تلاش نمایند. دولت همچنین باید به نقش مخرب مدیران لیبرال در ایجاد و گسترش جو تشنج در پالایشگاه‌های سراسر کشور توجه داشته و با اتخاذ تدابیر انقلابی قاطع، کمترین مجال کارشکنی و اخلال را (به‌ویژه در واحدهای استراتژیکی از قبیل صنعت نفت) به آنها ندهد.

تدوین و اجرای قانون تأمین اجتماعی

(مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی)

خواست همه کارگران و زحمتکشان است

"مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی بیکار، پیری از کار افتادگی بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و ... خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکیک افراد کشور تأمین کند."

خبرهایی از روستاهای کشور

با اجرای بند جود دست بزرگ مالکان از زندگی روستائیان زحمتکش کوتاه باید گردد

نموده و جلوی ظلم و تعدی آنان را بگیرند .

فومن - روستای "گوراب پس" از روستاهای اطراف فومن است که بخشی از زمینهای آن در تصرف فتودالی به نام ابوالحسن خان دادور، کسی که قبل از انقلاب با دربار ارتباط داشته و در دوره دولت بازرگان فرماندار تهران بوده است قرار دارد . در سال گذشته دوسوم از زمینهای وی توسط هیات هفت نفره به دهقانان واگذار و یکسوم بقیه دادور و شرکایش تعلق گرفت وی اخیرا دست به توطئه و کارشکنی علیه دهقانان زحمتکش زده و سعی دارد تا با مراجعه به ارگانهای انقلابی به آنها بقبولاند که

کرمانشاه - اهالی روستاهای کلهکان نثار و قلعه سبزی که جمعا در حدود ۶۰ خانوار را تشکیل می دهند همواره مورد ظلم و تعدی آنها و فتودالها قرار داشته اند و زمینهایشان توسط بزرگ مالکانی چون برادران سیافی غصب شده است . بعد از انقلاب روستائیان زحمتکش این روستاها انتظار داشتند که به حاکمیت مطلق این خوانین خاتمه داده شود و آنها بتوانند حاکم بر سرنوشته خویش گردند ولی متاسفانه تاکنون چنین نشده و اعمال ظلم و جور و تهدید این خوانین باعث شده که روستای قلعه سبزی تقریبا خالی از سکنه گردد و به جز چند خانوار بقیه ساکنین آن آواره شهرها و بعضا روستاهای اطراف گردند . روستای کلهکان نثار نیز وضعی کم و بیش مشابه آن یافته است . زورگوییها و قلدریهای این بزرگ مالکان چنان است که حتی شب هنگام به خانه روستایی زحمتکش حمله ور شده و ضمن غارت و چپاول آنجا صاحب خانه را به ضرب گلوله زخمی می نمایند و به برداشت غیر قانونی محصولات باغات مردم مشغول می شوند . روستائیان زحمتکش این روستاها طی طوماری به دادگاه انقلاب کرمانشاه شکایت برده و اعمال جنایتکارانه آنها را بر شمردند ولی تاکنون پاسخی دریافت نداشته اند . لازم است مقامات جمهوری اسلامی ایران با این زالو صفتان که حان و مال و ناموس مردم را مورد تجاوز قرار می دهند برخورد قاطعانه

اگر زمینها به او بازگردانده شود محصول بیشتری عاید دولت خواهد شد اکنون دهقانان زحمتکش ضمن حمایت از ارگانهای انقلابی خواهان واگذاری بقیه زمینهای او و اجرای کامل بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی هستند .

بهبهان - روستای سلامه در ۹۰ کیلومتری جنوب غربی بهبهان واقع شده و بسیاری از ساکنین این روستا به کشاورزی اشتغال دارند . شورای سه نفره این روستا به دلیل وابستگی دو نفر از آنها به فتودالها و نداشتن صلاحیت اخلاقی تاکنون گامی در جهت رفع نیازمندیها و مطالبات کشاورزان برنداشته است . از مشکلات فعلی روستائیان احتیاج شدید به آب رراعی ، بذر اصلاح شده و ابزار و آلات کشاورزی و غیره است که متاسفانه تاکنون از طرف مقامات مسئول توجهی به این امر نشده و این مسئله موجب گشته است که اغلب روستائیان کار کشاورزی را رها کرده و ناچارا به امور دیگری از قبیل مسافرتی ، خرده فروشی و حتی قاچاق روی آورند . این وضع در روستاهای دره نی در شمال غربی و بدلی در شمال بهبهان نیز صادق است .



با خرید عادلانه محصول خرمای نخلداران مناطق جنگی در رفع مشکلات

آنها بگوئیم

خوزستان - اخیرا فرمانداری شهرستان شادگان طی اطلاعیهای از نخلداران این منطقه خواست تا محصول خرماي خود را جهت فروش به مراکز تعیین شده از طرف فرمانداری تحویل دهند قبلا و در طی جنگ تحمیلی رژیم صدام ، عدم خرید عادلانه محصولات کشاورزان خوزستان به ویژه خرما نگرانیهای زیادی برای کشاورزان بخصوص نخلداران فراهم ساخته بود ، اما اطلاعیه اخیر فرمانداری شادگان و اقداماتی که از چندی پیش توسط سازمان تعاون روستایی خونین شهر و آبادان ، جهاد سازندگی و دیگر ارگانهای انقلابی در این زمینه صورت گرفته ، اقدامی به جا و در جهت تقویت جنبه انقلاب است .

به وضع جای کاران فومن رسیدگی باید شود

فومن - در حالی که طی دو سال بعد از انقلاب محصول برگ چای باغهای فومن به دو برابر گذشته رسیده است ولی ظرفیت دو کارخانه چای خشک کنی فومن ثابت مانده و به هیچ وجه تکافوی پذیرش تمام برگ چای تولید شده را نمی کند . این مشکل مبتلا به تمام چایکاران گیلان است و باعث پلاسیده شدن برگهای سبز چای و از بین رفتن دسترنج دهقانان می گردد . لازم است مسئولین جمهوری اسلامی با اتخاذ تدابیری از جمله ایجاد کارخانجات جدید ، افزایش ظرفیت کارخانههای موجود و بویژه جلوگیری از کارشکنی صاحبان و مدیران لیبرال آنها به رفع این مشکل بپردازند .

**بامرمت سد جوتقان جلوی
کاهش کشت برنج را بگیرد**
شهرکرد - در جوتقان

یکی از بخشهای اطراف شهرکرد سدی به نام جعفرزاده وجود دارد که کشاورزان منطقه بطور مشترک از آن استفاده می کنند چندی پیش متاسفانه پایه های این سد را آب ویران نموده و کشاورزان نیز به تنهایی علیرغم تلاشهای فراوان موفق به مهار آب نشده اند . لذا احتمال می رود امسال قادر به کشت برنج نباشند . بنابراین وظیفه ارگانهای دولتی است که با درک وضعیت خطیر فعلی و لزوم تقویت پشت جبهه و افزایش تولید داخلی هرچه سریعتر اقدام به مرمت سد مورد نظر بنمایند .

با تمام قوا در برداشتن محصول به روستائیان کمک کنیم

خوزستان - فصل برداشت محصولات کشاورزی در مناطق مختلف خوزستان بویژه شهرهای جنوب شرقی آن مدتی است که آغاز شده است ، ولی متاسفانه به دلیل فقدان ابزار و آلات مکانیزه کشاورزی بویژه عدم دسترسی کشاورزان به کمباین و بی توجهی مسئولین امر علیرغم هشدارهای مکرر و به موقع نیروهای انقلابی و از جمله خود روستائیان زحمتکش هنوز زمینهای کشت شده بسیاری وجود دارد که محصولات آن برداشت نشده و با خطر نابودی مواجه است بدون شک بی توجهی مقامات مسئول ارگانهای دولتی نه تنها موجب به هدر رفتن دسترنج دهقانان منطقه و دلسردی آنان به انقلاب ، بلکه باعث پائین آمدن سطح تولید و تضعیف پشت جبهه می گردد .

ارگانهای انقلاب در خدمت زحمتکشان

گلپایگان به دنبال اختلاف و درگیری بین دهقانان روستای رباط - حسینیه از توابع گلپایگان و شیعی فتودال معروف روستا بقیه در صفحه ۹

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

میلیونها دهقان زحمتکش بی صبرانه منتظر اجرای بند ج. و د. هستند

تاء مین آب زراعی ، کود ، سم ، بذر و ماشین آلات کشاورزی تعیین قیمت های مناسب برای محصولات کشاورزی و تضمین خرید و بیمه محصولات و ایجاد و مرمت راه های ارتباطی ، درمانگاه ، مدرسه و حمام بهداشتی خواست مشترک دهقانان زحمتکش سراسر کشور است .

امروزه در حالی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با به خدمت گرفتن رژیم تجاوزگر صدام ، باندهای مسلح ضدانقلابی ، دستجات لیبرال ها و سرمایه داران وابسته ، زمینداران بزرگ و فئودال ها و خوانین مسلح بیش از هر زمان دیگری به توطئه برعلیه انقلاب خونبارمان پرداخته است ، لازم است مسئولین جمهوری اسلامی ایران هرچه سریع تر با اجرای سریع و قاطع بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی و با تکیه بر نیروی لایزال میلیونی دهقان زحمتکش همه توطئه ها و دسائس آنان را منکوب سازند .

زحمتکشان روستاهای دار درفش قلعه ، دار درفش ابراهیم بیگی ، دار درفش فرج اله بیگی ، دار درفش محمد امین ، گلالی ، کوربلاغ (محمدتقی) کهریزه ، ده قاسم ، تنور دول خالصه ، مورچی خالصه ، تازه آباد - مورچی ، کولوند بالادربند خالصه ، دار درفش پارچه - سید کریم ، از توابع میان دربند خالصه منطقه سنجابی و روستای آپیرسراب خدا بنده لو از توابع صحنه استان کرمانشاهان ، همچنین روستاهای حسن آباد ، پیرلو ، قوش تپه ، دوراله از توابع منطقه چهار دولی

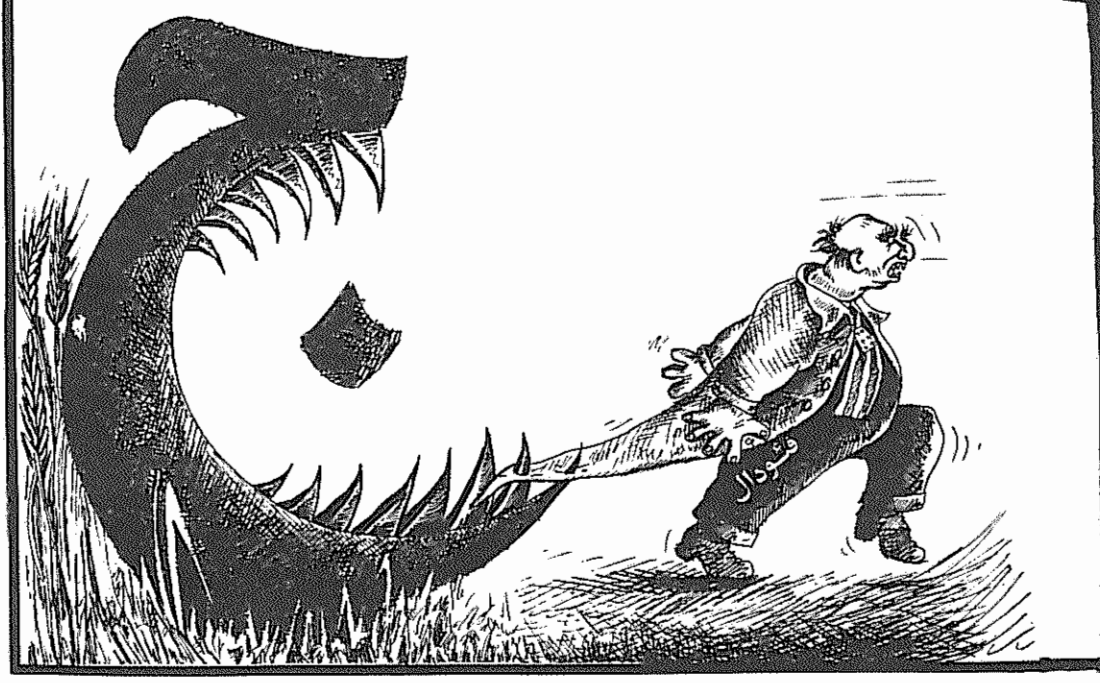
بقیه از صفحه ۸ خبرهایی از ...

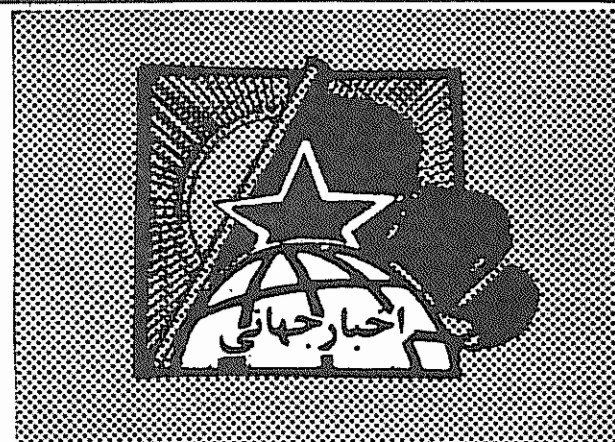
که در زمان رژیم گذشته به زور سرنیزه ژاندارمری و ساواک ۱۷۰ هکتار از زمین های این دهقانان را غصب کرده بود ، جلسهای با حضور نمایندگان دهقانان ، شفیعی فئودال ، نمایندگان هیات هفت نفره و دادگاه انقلاب و مسئول اداره کشاورزی گلپایگان تشکیل گردید و پس از بررسی موضوع اعلام شد که زمین های این فئودال متعلق به دهقانان است و وی از این پس هیچگونه حقی بر این زمین ها ندارد اما شفیعی به کمک رئیس دادگاه انقلاب گلپایگان دست به تحریک نمایندگان دهقانان ، شفیعی فئودال ، نمایندگان هیات هفت نفره و دادگاه انقلاب و مسئول اداره کشاورزی گلپایگان تشکیل گردید و پس از بررسی موضوع اعلام شد که زمین های این فئودال متعلق به دهقانان است و وی از این پس هیچگونه حقی بر این زمین ها ندارد اما شفیعی به کمک رئیس دادگاه انقلاب گلپایگان دست به تحریک



بقیه از صفحه ۵ رفیق شهید، منصور حیدری: برای اینکه ...

ناپذیر ساخته بود ، از هیچ مشکلی نمی هراسید و در انجام هر کاری بسیار جدی بود . با شروع جنگ تجاوزکارانه رژیم ضد مردمی عراق به میهن انقلابیمان و براساس رهنمود سازمان رفیق داوطلب اعزام به جبهه گردید و پس از طی دوره کوتاهی به یاری رزمندگان قهرمان سنگرهای مقاومت شتافت . رفیق منصور حیدری روزی که به جبهه اعزام می شد به رفقا و دوستانش گفت : من با آگاهی کامل از ماهیت کاری که انجام می دهم به جبهه می روم ، من به جبهه می روم تا از انقلاب دفاع کنم تا پاسداران بستانش درود می فرستیم . خون ۷۰ هزار شهید و





اختتام موفقیت آمیز

اجلاس شورای همیاری اقتصادی

اجلاس شورای همیاری اقتصادی (کومکن) در صوفیه با موفقیت به کار خود پایان داد. در این اجلاس چگونگی اجرای برنامه جامع همگرایی ظرف ۱۰ سال اخیر و دورنمای همکاریها مورد بحث قرار گرفت و برنامه توسعه تخصصی کردن و کثرت‌پاسیون تولید در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ به تصویب رسید. در این اجلاس همچنین ساختمان مشترک تعدادی از واحدهای اقتصادی و نیز انجام کارهای لازم برای تأمین اقتصاد ویتنام، کوبا و موزامبیک مورد بررسی قرار گرفت. به علاوه چند موافقت‌نامه هم منجمله موافقت‌نامه شرکت کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی در زمینه تولید قند و مرکبات در کوبا به امضاء رسید. در اجلاس توصیه شد همکاری در زمینه تولید و توسعه تحویل مواد غذایی و کالاهای صنعتی مورد مصرف عموم گسترش یابد.

شورای همیاری اقتصادی یک سازمان اقتصادی است که ده کشور سوسیالیستی عضو آن هستند. یوگسلاوی با این سازمان موافقت‌نامه همکاری دارد. کشورهای آنگولا، اتیوپی، جمهوری دموکراتیک خلق یمین، لائوس و موزامبیک به عنوان ناظر در این اجلاس شرکت جستند.

در شورای همیاری اقتصادی هیچ‌کس اراده خود را به دیگران تحمیل نمی‌کند و شرکا صرف‌نظر از وسعت اراضی خاکشان، ذخائر طبیعی و یا قدرت صنعتی خود از حقوق یکسان برخوردارند.

ماهیت اصل همگرایی سوسیالیستی در اصل "به نفع هر کشور و به سود تمام جامعه" خلاصه شده است.

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی با پیروی از چنین روشی به کشورهایی که از دیگر کشورها عقب‌افتاده‌تر می‌باشند کمک می‌کنند که به سطح کشورهای پیشرفته برسند.

در ۱۰ سال گذشته حدود نصف فرآورده‌های صنعتی جهان در این کشورها تولید شد. در همین مدت این کشورها قدرت بالقوه صنعتی خود را دو برابر کردند.

کاهش ساعات کار معدنچیان شوروی

در شوروی اعلام شد که امور مربوط به استقرار سیستم ۳۰ ساعت کار در هفته معدنچیان به پایان رسیده است. کاهش ساعات کار هفتگی در حقوق معدنچیان تأثیری نداشته، بلکه در نتیجه به کارگیری ماشین‌آلات مدرن بازدهی نیز فزونی یافته است.

اقدام انجام شده از جمله اقدامات متعددی است که در برنامه اجتماعی مصوبه بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برای پنج‌ساله ۱۹۸۵-۱۹۸۱ در نظر گرفته شده است. در حال حاضر هفته کار معدنچیان اتحاد شوروی کوتاه‌ترین هفته کار در جهان است.

پنجمین سالگرد

اعلام جمهوری سوسیالیستی ویتنام

با فرارسیدن ۱۱ تیرماه مردم قهرمان ویتنام پنجمین سالگرد اعلام جمهوری سوسیالیستی ویتنام را جشن گرفتند. و بدین سان ۳۰ سال از مبارزه در راه تأمین وحدت کشور گذشت. ویتنام واحد، مستقل و سوسیالیستی در سالهای اخیر به موفقیت‌های بزرگی در زمینه سازندگی سوسیالیستی نائل آمده است. تولیدات ناخالص کشاورزی در فاصله ۱۹۸۰-۱۹۷۶ به میزان ۱۷/۳٪ افزایش یافت. صدها مجتمع صنعتی و واحد تولیدی در رشته‌های مختلف اقتصاد ملی مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. اقدامات اساسی و مهمی در زمینه تأمین اشتغال اهالی به ویژه در جنوب‌کشور که شمار بیکاران در دوران پیش از آزادی در آنجا به میلیون‌ها تن می‌رسید به عمل آمده است. بی‌سوادی از میان رفته و...

کمک‌های برادرانه و بی دریغ کشورهای جامعه سوسیالیستی نقش بسیار مهمی در امر تثبیت دولت ویتنام و تقویت بنیه آن ایفا نموده است. پیوندهای دوستی استواری ویتنام را به کشورهای سوسیالیستی و بیش از همه اتحاد شوروی نزدیک می‌سازد.

امروزه در جریان سازندگی سوسیالیستی مردم قهرمان ویتنام نه فقط بر مشکلات بزرگی که یادگار شوم سال‌های متمادی جنگ و استعمار است فائق می‌آیند بلکه توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم جهانی و سلطه طلبان چینی را نیز درهم می‌کوبند و استوارتر از هر زمان پیش می‌روند.

انتخابات لهستان و

مبارزه برای کسب قدرت

ل. زامیاتین رئیس دپارتمان اطلاعات بین‌المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی بیاناتی پیرامون اوضاع لهستان که از تلویزیون شوروی پخش شد گفت "در لهستان برای به دست گرفتن زمام حکومت مبارزه صورت می‌گیرد و در چنین شرایطی حزب متحد کارگر لهستان به مخالفان سوسیالیسم گذشت می‌کند. جناح تندرو "اتحادیه همبستگی" و گروه‌بندی‌های دیگر ضد سوسیالیستی که مراکز خرابکاری خارجی از آن‌ها حمایت می‌کنند از جمله مخالفات سوسیالیسم در لهستان هستند." زامیاتین سپس به انتخابات کنگره حزب اشاره کرد و گفت "اکنون مخالفان سوسیالیسم از فعالیت مربوط به انتخاب نمایندگان کنگره حزب استفاده می‌کنند، تا نمایندگان خود را در میان آن‌ها داشته باشند. محافل رویزیونیسم در حزب به همراه تندروهای عضو "اتحادیه همبستگی" می‌خواهند ترکیب کنگره را به نحوی تعیین نمایند که به تغییر ماهیت حزب کارگری م. ل. منجر شود."

زامیاتین متذکر شد که "نیروهای امپریالیستی با استفاده از رویدادهای لهستان تلاش می‌کنند تمامی اردوگاه سوسیالیسم را تضعیف کنند و به قدرت دفاعی ورشو لطمه بزنند."

عبدالسلام جلود:

از صلح تحت رهبری اتحاد شوروی دفاع کنیم

عبدالسلام جلود نخست وزیر لیبی که برای گفتگو و مذاکره پیرامون گسترش همکاری‌های

لیبی و اتحاد شوروی وارد مسکو شده بود مورد استقبال نیکلای تیخونف نخست‌وزیر اتحاد شوروی و دیگر رهبران بلند پایه این کشور قرار گرفت.

تیخونف در مراسم ضیافتی که به مناسبت دیدار جلود از شوروی برپا شده بود طی بیاناتی تمامی نیروهای ترقی‌خواه و صلح دوست را به مقاومت در برابر دسائس امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع در خاور نزدیک فراخواند و آمادگی شوروی را برای گسترش روابط دوستانه با لیبی ابراز داشت. او گفت "تقویت همکاری اتحاد شوروی و لیبی در شرایط کنونی که نیروهای امپریالیسم و ارتجاع پروسه تشنج‌زدائی و امر صلح را به خطر انداخته‌اند اهمیت فراوان دارد." عبدالسلام جلود در پاسخ به بیانات تیخونف اظهار اطمینان نمود که "نیروهای مبارز در برابر امپریالیسم تحت رهبری اتحاد شوروی خواهند توانست از صلح دفاع کنند."

تلاش‌های چین برای خرید اسلحه از غرب در پی سفر الکساندر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا و پس از اعلام آمادگی آمریکا برای فروش جنگ افزارهای تهاجمی و از جمله بمب‌افکن‌های اف-۱۶ به چین، رهبران یکن به تلاش‌های خود برای دستیابی به سلاح‌های غربی به نحو چشمگیری افزوده‌اند. در هفته گذشته یک هیئت عالی‌رتبه نظامی چین به ریاست یان ژی رئیس ستاد کل ارتش چین به منظور آشنائی بیشتر با امکانات خرید اسلحه عازم کشورهای اروپای غربی گردید. دیدارهای پیاپی هیئت‌های نظامی چین از کشورهای اروپای غربی و مذاکرات آنان با تجار اسلحه، علاوه بر آنکه سیاست توسعه طلبانه رهبران چین را بیشتر آشکار می‌سازد نشانه تسریع روند نظامی‌گری چین نیز می‌باشد.

اخبار کوتاه

- براساس موافقت‌نامه نظامی جدیدی که میان عمان و آمریکا منعقد شد قابوس پایگاه‌های دریائی و هوائی در اختیار آمریکا قرار می‌دهد.
- هیاتی از سازمان آزادیبخش فلسطین که به ریاست فاروق قدومی برای مذاکره به اتحاد شوروی سفر کرده بود، مسکو را ترک گفت.
- شوروی و لیبی قرارداد همکاری اقتصادی امضاء کردند.
- در انگلستان در اعتراض به کمبود مسکن تظاهرات متعددی برپا شد.
- مجلس ملی کنگو قرار داد دوستی و همکاری با اتحاد شوروی را که در ماه مه گذشته به امضاء رسیده بود تصویب کرد.
- دولت افغانستان طرح امپریالیستی کنفرانس جهانی در باره مسئله افغانستان را قاطعانه رد کرد.
- شرکت کنندگان در راهپیمائی صلح سال ۱۹۸۱ که از دانمارک آغاز گردید همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهند. شرکت کنندگان در این راهپیمائی خواهان عدم استقرار موشک‌های آمریکا در خاک اروپای غربی و غیر اتمی شدن اروپا هستند.

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی به
کمیته مرکزی حزب متحده
کارگری لهستان

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست

اتحاد شوروی به

کمیته مرکزی حزب متحده

کارگری لهستان

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نامه‌ای به کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان پیرامون مسائل این کشور ارسال گردید. در زیر متن نامه را می‌خوانید

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با احساس اضطراب عمیق برای سرنوشت سوسیالیسم در لهستان و برای کشور لهستان به عنوان یک دولت آزاد و مستقل طی این نامه به شما مراجعه می‌کند.

این مراجعه ما ناشی از علاقه رفیقانه‌ایست که ما به امور مربوط به حزب کمونیست‌های لهستان و تمامی ملت برادر لهستان و لهستان سوسیالیستی به عنوان کشور عضو پیمان ورشو و شورای همیاری اقتصادی داریم. کمونیست‌های شوروی و لهستان در جنگ با فاشیسم دوشادوش هم ایستاده بودند. آنها در طول تمام سال‌های بعد از جنگ با هم بودند. حزب ما و مردم شوروی در بنای جامعه نوین به رفقای لهستانی خود کمک می‌کردند. ما نمی‌توانیم از این بابت احساس نگرانی نکنیم که امروز خطر مهلکی دست‌آوردهای انقلابی ملت لهستان را تهدید می‌کند.

صراحتاً بگوئیم بعضی از گرایش‌ها موجود در پیشرفت جمهوری خلق لهستان و مخصوصاً در شئون ایدئولوژیک و سیاست اقتصادی رهبری قبلی آن در طول مدت چند سال موجبات نگرانی ما را فراهم کرده بود.

این موضوعات در جریان گفت و گوهای ما در سطح عالی و در دیدارهای دیگر به پیروی کامل از روح مناسباتی که میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب متحده کارگری لهستان به وجود آمده است به رهبران لهستان گفته می‌شد. متأسفانه این هشدارهای دوستانه نیز مانند اظهارات انتقادی شدید که در داخل حزب متحده کارگری لهستان به عمل می‌آمد مورد توجه قرار نمی‌گرفت و حتی نادیده گرفته می‌شد. به عنوان نتیجه، در لهستان بحران عمیق روی داد که تمام شئون حیات سیاسی و اقتصادی کشور را در بر گرفت.

تغییر رهبری حزب متحده کارگری لهستان، کوشش برای برطرف کردن اشتباهات عمیق ناشی از برهم خوردن قانونمندی‌های بنای سوسیالیسم تجدید اعتماد توده‌ها و در درجه اول اعتماد طبقه کارگر نسبت به حزب و تقویت دموکراسی سوسیالیستی با تفاهم کامل ما روبرو شد. ما از نخستین روزهای بحران، مهم می‌دانستیم که حزب پاسخ قاطعی به تلاش‌های دشمنان سوسیالیسم برای سوءاستفاده از مشکلاتی که به وجود آمده است برای هدف‌های دور و دراز خود بدهد. ولی این کار انجام نشد. گذشت‌های بی‌پایان در برابر نیروهای ضد سوسیالیست و سماجت آنها منجر به آن گردید که حزب متحده کارگری لهستان قدم به قدم در برابر هجوم ضد انقلاب داخلی که متکی به پشتیبانی مراکز تخریبی امپریالیستی خارج از کشور است عقب نشینی می‌کرد.

امروز وضع نه تنها خطرناک است بلکه کشور را به خط بحران نزدیک کرده است. در این مورد

نمی‌توان سنجش دیگری به عمل آورد. دشمنان لهستان سوسیالیستی آنچنان مقاصد خود را پنهان نمی‌کنند. آنها برای به دست گرفتن حکومت مبارزه می‌کنند و هم‌اکنون به آستانه تصرف آن رسیده‌اند. یک موضع پس از موضع دیگر تحت کنترل آنها قرار می‌گیرد. ضدانقلاب از جناح افراطی "همبستگی" به عنوان نیروی ضربتی خود استفاده می‌کند و در این راه با گمراه کردن کارگرانی که وارد این اتحادیه کارگری شده‌اند آنها را به توطئه جنایتکارانه بر ضد حکومت مردمی جلب می‌کند. موضوع ضدیت با کمونیسم و شوروی ستیزی افزایش می‌یابد. نیروهای امپریالیستی بیش از پیش اقدامات وقیحانه‌تری برای دخالت در امور داخلی لهستان پیاده می‌کنند.

خطر فوق‌العاده جدی که سوسیالیسم را در لهستان تهدید می‌کند، خطری است که برای خود موجودیت دولت مستقل لهستان بوجود آمده است. اگر وضع بدتری رخ می‌داد و دشمنان سوسیالیسم حکومت را به دست می‌گرفتند. اگر لهستان از پشتیبانی اردوگاه سوسیالیستی محروم می‌شد دست‌های طماع امپریالیست‌ها بلافاصله به طرف آن دراز می‌شد. و آن وقت چه کسی می‌توانست استقلال و حاکمیت و مرزهای لهستان را به عنوان یک کشور تضمین کند؟ هیچ‌کس.

رفقا، شما اطلاع دارید که پنجم دسامبر سال ۱۹۸۵ ملاقاتی بین رهبران احزاب برادر کشورهای عضو جامعه ممالک سوسیالیستی در مسکو صورت گرفت. چهارم مارس سال ۱۹۸۱ مذاکرات رهبری شوروی با هیئت نمایندگی حزب متحده کارگری لهستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به عمل آمد. ۲۳ آوریل سال جاری هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی با هیئت رهبران لهستان ملاقات کرد. در جریان این دیدارها و همچنین در جریان سایر تماس‌ها، ما نگرانی دائم‌التزاید خود را از دسائیس نیروهای ضد انقلاب در لهستان تأکید می‌کردیم. ما در باره لزوم برطرف کردن دستپاچگی در صفوف حزب متحده کارگری لهستان و در خصوص دفاع از کادرهای آن در مقابل دشمنان و پشتیبانی کامل از حکومت مردمی صحبت می‌کردیم.

مخصوصاً به این موضوع جلب توجه شده بود که طرف مخالف عملاً رسانه‌های گروهی را تحت کنترل خود درآورده است. رسانه‌ها اکثریت تبدیل به وسیله فعالیت ضد سوسیالیستی شدند و برای تخریب سوسیالیسم و تجزیه کردن حزب مورد استفاده قرار می‌گیرند. خاطر نشان شده بود که در پیکار برای حزب نمی‌توان ناموقعی پیروز شد که مطبوعات و رادیو و تلویزیون به جای این که برای حزب متحده کارگری کار کنند برای دشمنان آن فعالیت کنند.

موضوع مربوط به لزوم تقویت حیثیت دستگاه‌های تأمین کننده نظم اجتماعی و ارتش و دفاع از آنها در مقابل تجاوزات نیروهای ضدانقلاب به طور حادی مطرح می‌شد. اجازه دادن این‌که تلاش برای روسیاه کردن و تجزیه کردن ارگان‌های امنیتی و میلیس و بعد از آن هم ارتش قرین موفقیت گردد در حقیقت به معنای خلع سلاح دولت سوسیالیستی و تحویل آن به دشمن طبقاتی است.

مایلیم تأکید کنیم که س. کانیا و و. یاروزلسکی و سایر رفقای لهستانی در مورد کلیه مسائلی که مطرح می‌شد با نظرات ما ابراز موافقت کردند. ولی در واقع همه چیز مثل سابق باقی ماند. هیچ‌گونه حک و اصلاحی وارد سیاست گذشت‌ها و سازش‌ها نشده است. یک موضع پس از موضع دیگر تسلیم می‌گردد. با وجود این‌که در مطالب پنجم‌های اخیر کمیته مرکزی حزب متحده کارگری

لهستان واقعیت خطر ضدانقلاب اذعان شده است عملاً تاکنون هیچ اقدامی برای مبارزه با آن در پیش گرفته نمی‌شود و حتی سازمان‌دهندگان ضدانقلاب علناً نام برده نمی‌شوند.

در اوقات اخیر وضع داخلی خود حزب متحده کارگری لهستان مورد نگرانی و اضطراب سرشار می‌باشد. تا تشکیل کنگره حزب از یک ماه کمتر باقی مانده است. لیکن نیروهای دشمن سوسیالیسم در فعالیت‌های انتخاباتی جلو افتاده‌اند. آن واقعیت ممکن نیست تولید نگرانی ننماید که غالباً اشخاص تصادفی که علناً نظرات اپورتونیستی خود را تبلیغ می‌کنند در پست‌های رهبری سازمان‌های حزبی محلی و در ردیف نمایندگان کنفرانس‌ها و کنگره قرار می‌گیرند. در نتیجه نبرنگ‌بازی‌های مختلف دشمنان حزب متحده کارگری لهستان، تجدید نظر طلبان و اپورتونیست‌ها، کارکنان با تجربه و وفادار حزبی که سابقه و سیمای معنوی خوبی دارند از کار بر کنار می‌شوند.

این موضوع نیز مایه نگرانی است که در میان نمایندگان کنگره قریب‌الوقوع عده کمونیست‌ها از میان کارگران فوق‌العاده غیر قابل توجه است. جریان تهیه مقدمات تشکیل کنگره با حرکت به اصطلاح ساختارهای افقی که وسیله تجزیه حزب می‌باشند و توسط اپورتونیست‌ها برای به کنگره بردن افراد مورد نیاز خویش و سوق دادن کار کنگره در جهت دلخواه خود مورد استفاده قرار می‌گیرند، دچار اشکال می‌شود.

استعدادی ندارد که در خود کنگره ممکن است کوشش به عمل آید که به نیروهای مارکسیست - لنینیست حزب شکست قاطعی وارد گردد تا انحلال حزب حاصل گردد.

مخصوصاً مایلیم این موضوع را تذکر بدهیم که در ماه‌های اخیر نیروهای ضد انقلاب فعالانه انواع و اقسام مطالب ضد شوروی پخش می‌کنند که هدف از آن ابطال ثمرات کار احزاب ما و تجدید مجدد تمایلات ناسیونالیستی و ضد شوروی در میان قشرهای مختلف جامعه لهستان می‌باشد. این مفتریان و دروغگویان هرکاری که بتوانند می‌کنند. آنها حتی ادعا می‌کنند که گویا اتحاد شوروی در این دوره دشوار برای لهستان به آن کمک مادی اضافی هنگفتی میدول داشته و میدول می‌دارد. این موضوع را در باره کشوری می‌گویند که با صدور نفت و گاز و سنگ معدن و پنبه به قیمت ۱/۵ الی ۲ برابر ارزان‌تر از قیمت‌های بازار جهانی عملاً غذای رشته‌های عمده صنایع لهستان را تأمین می‌کند.

رفقای محترم! طی این نامه ضمن مراجعه به شما فقط از نگرانی خودمان از وضع لهستان بزرادر و شرایط و دورنماهای همکاری بعدی شوروی و لهستان پیروی نمی‌کنیم. ما و سایر احزاب برادر را این موضوع نگران می‌کند که هجوم نیروهای دشمن ضد سوسیالیست در جمهوری خلق لهستان، منافع تمام جامعه ممالک سوسیالیستی ما و همبستگی و تمامیت و امنیت مرزهای ما را تهدید می‌کند. آری امنیت مشترک ما را تهدید می‌کند. ارتجاع امپریالیستی که از ضد انقلاب لهستان پشتیبانی و آن را تشویق می‌کند حساب‌های خود را پنهان نمی‌کند تا از این راه تناسب قوا را در اروپا و در دنیا به میزان زیادی به نفع خود تغییر بدهد.

بحران در لهستان به طور فعالانه‌ای توسط امپریالیسم برای این منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد تا نظام سوسیالیستی و آرمان‌ها و اصول سوسیالیسم لکه دار گردد، برای این منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد که حملات جدیدی بر ضد نهضت بین‌المللی کمونیستی صورت گیرد.

نظر شورای نگهبان درباره لایحه مسکن مغایر مصالح مردم و انقلاب است

وزارت مسکن در لایحه‌ای که به مجلس تقدیم کرده است، خواهان نظارت بر معاملات مسکن در شهرهای شده است که ضروری تشخیص داده خواهد شد. این لایحه اساساً بر این نکته تکیه دارد و در این راه تاحدودی می‌تواند موثر باشد که ثروتمندان نتوانند خانه‌ها و آپارتمان‌های متعدد خریداری کنند و با خرید و فروش خانه و آپارتمان و یا اجاره دادن آن‌ها سودها و درآمدهای کلان به جیب زنند. تحت محدودیت‌هایی که لایحه پیشنهاد کرده است هر خریداری که او "یا فرزندان صغیر او منفراً یا جمعا مالک واحد مسکونی متناسب با نیاز یا شش‌دانگ زمین قابل ساختمان مورد نیاز در محدوده قانونی آن شهر نباشد" می‌تواند از وزارت مسکن اجازه خرید مسکن دریافت کند و از فروشندگان مسکن، واحد مسکونی را که وسع و توان خرید آن را دارد در بازار بخرد.

جنبه مثبت این لایحه این است که فعالیت دلالان و اجاره بگیرانی را که دهها واحد مسکونی را در اختیار دارند و از خرید و فروش و اجاره آن‌ها سودها و درآمدهای کلان می‌برند، محدود می‌کند. اما این لایحه که تاکنون نخستین اقدام دولت رجائی در مقابله با مسئله مسکن است نمی‌تواند گامی اساسی در جهت حل مشکل مسکن کارگران و زحمتکشان میهن باشد. کاستی‌های این لایحه، به جز راه‌های فراری که در لایحه وجود دارد، به قرار زیر است:

(۱) مهم‌ترین نکته‌ای که در این لایحه بدان توجه نشده است این است که چه کسی یا چه کسانی وظیفه تأمین مسکن را برعهده دارند. این امری مسلم است که میلیون‌ها کارگر و زحمتکش میهن ما، با درآمد اندکی که دارند نمی‌توانند برای خود خانه بسازند. آیا ایجاد مجتمع‌های مسکونی و به طور کلی فعالیت‌های ساختمانی به عهده سرمایه‌داران گذاشته خواهد شد که برای کسب سودخانه و آپارتمان بسازند و به بازار عرضه کنند؟ آیا در چنین

وضع کارگران و زحمتکشان میهن ما می‌توانند مسکن مناسبی را به قیمتی ارزان، متناسب با درآمدی که به دست می‌آورند به دست آورند؟ مسلم است که در چنین وضعی باز هم عملاً مشکل مسکن برای کارگران و زحمتکشان میهن برجای خواهد ماند. در واقع "لایحه انجام معاملات واحدهای مسکونی" در چهارچوب برنامه عمومی مسکن دولت می‌تواند موثر افتد. دولت رجائی باید این نکته را صریحاً بیان دارد که وظیفه تأمین مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان میهن برعهده چه کسی یا چه کسانی است و وظیفه دولت در این راه چیست؟

(۲) این لایحه بر مالکیت کنونی ثروتمندان و سرمایه‌داران بر واحدهای متعدد مسکونی مهر تأیید و مشروعیت می‌زند. و تنها از این پس است که فقط کسانی می‌توانند واحدی مسکونی خریداری کنند که خود یا فرزندان صغیرشان "منفرداً یا جمعا مالک واحد مسکونی متناسب با نیاز... نباشند". برای فروشنگانی که ممکن است حتی دهها واحد مسکونی در اختیار داشته باشند در این لایحه هیچگونه محدودیتی پیش‌بینی نشده است.

(۳) لایحه به معاملات واحدهای مسکونی محدود شده است و معاملات واحدهای "تجاری" را در بر ندارد. در این جا منظور ما این نیست که خرید و فروش مغازه، انبار، کاروانسرا و... نیز باید در این لایحه منظور می‌شد. مسئله این است که در شهرهای بزرگ بخش قابل توجهی از واحدهای مسکونی که ساخته می‌شود برای سکونت یا استفاده برای امور "تجاری" می‌تواند اجاره داده شود یا فروخته شود.

بسیاری از آپارتمان‌های مسکونی کنونی در تهران و در شهرهای بزرگ آپارتمان‌هایی هستند که مالک آن‌ها می‌تواند آن‌ها را به عنوان واحد "تجاری" قلمداد کند و خود را از قید محدودیت‌های لایحه فوق برهاند. علاوه بر آن یکی از بزرگترین راه‌های کسب درآمد برای سرمایه‌داران بزرگ و وابسته ایجاد واحدهای بزرگ "تجاری" در نقاط مرکزی شهرها است. اجاره بسیاری از ساختمان‌های چند طبقه‌ای که در کنار خیابان‌های اصلی شهر تهران است ماهیانه چند صد هزار تومان است و در مواردی حتی به مرز یک میلیون تومان نیز نزدیک می‌شود.

بدین ترتیب موضوع مالکیت و معاملات واحدهای "تجاری" آن چنان که در ظاهر امر می‌نماید موضوعی جدا از موضوع معاملات واحدهای مسکونی نیست. این لایحه در این باره هیچ سخنی به میان نمی‌آورد. (۴) بالاخره، این لایحه بدین نکته توجه ندارد که کارگران و زحمتکشان میهن چگونه خواهند توانست در چهارچوب لایحه فوق امکان استفاده از مسکن مناسب را با درآمد اندکی که دارند، بیابند.

بدین ترتیب می‌بینیم که مقابله با مسئله حاد مسکن امری نیست که بتوان با کمک چنین لایحه‌ای به پیش برده شود. این لایحه را باید در چهارچوب برنامه عمومی مسکن دولت رجائی مورد ارزیابی قرارداد و دولت رجائی نیز تاکنون برنامه‌ای روشن و منسجم در این زمینه ارائه نکرده است. همانطور که گفتیم در لایحه فوق نکته مثبتی هست که می‌تواند از کوشش دلالان و اجاره بگیران برای دست به دست کردن واحدهای

مسکونی و به مالکیت درآوردن واحدهای متعدد مسکونی در آینده، مانعت به عمل آورد. اما این نکته مثبت نیز، پس از اظهار نظر فقهای شورای نگهبان از لایحه حذف شده است و عملاً لایحه مصوب مجلس به صورت شیر بی‌یال و دم، و اشکمی درآمده است.

نظر فقهای شورای نگهبان در باره لایحه لایحه فوق در تاریخ ۲۴ خرداد ماه به تصویب مجلس رسید و برای اظهار نظر به شورای نگهبان فرستاده شد. فقهای شورای نگهبان بخش‌هایی از لایحه قانونی انجام معاملات واحدهای مسکونی را تأیید نکرده و به مجلس پس فرستادند. ببینیم این بخش‌ها کدامند. ببینیم فقهای شورای نگهبان با چه جنبه‌هایی از نظارت وزارت مسکن بر امر خرید و فروش واحدهای مسکونی مخالف است:

(۱) شورای نگهبان تبصره ۴ ماده یک لایحه قانونی حقوق را رد کرده است. در این تبصره آمده است که "وزارت مسکن و شهرسازی موظف است کلیه واحدهای مسکونی را که آماده بهره‌برداری و بدون عذر موجه خالی نگه داشته شده، شناسایی نماید و در صورتی که مالک از اجاره یا فروش استنکاف نماید کتبا یک ماه به مالک مهلت داده می‌شود. چنانچه خود آن‌ها در مهلت داده شده اقدام به فروش و یا اجاره ننمودند وزارت مسکن و شهرسازی واحد مسکونی را به قیمت عادلانه روز به مدت یک سال به اجاره می‌دهد و مال الاجاره را جهت تأدیه به مالک به صندوق ثبت واریز می‌نماید." همانطور که می‌بینیم این بخش از لایحه مالکیت سرمایه‌داران بزرگ را بر هر چند واحد مسکونی که در اختیار دارند نه تنها مورد

سؤال قرار نداده بلکه تنها از آن‌ها می‌خواهد که این واحدها را اجاره دهند یا بفروشند. و حتی پس از آن که مالک از این کار سرباز زد وزارت مسکن ملک را، آن هم فقط برای یک سال، اجاره می‌دهد (به قیمت عادلانه روز) و مال الاجاره را به صاحب ملک تقدیم می‌کند و برای این کار حتی کار مزدی هم طلب نمی‌کند. این بخش از لایحه بی‌تردید گامی در جهت تحدید مالکیت بر واحدهای مسکونی متعدد توسط سرمایه‌داران بزرگ نیست و مجلس شورای اسلامی باید اقدامات اساسی در جهت سلب مالکیت از سرمایه‌داران وابسته و تحدید مالکیت بر واحدهای متعدد مسکونی بردارد. و قوانین مثبت‌تری به تصویب در آورد. اما نکته بسیار مهم این است که فقهای شورای نگهبان حتی همین محدودیت بسیار ناچیز را مردود دانسته‌اند.

در جلسه مورخ ۱۰ تیر ماه ۶۰ مجلس شورای اسلامی، یعنی نخستین جلسه‌ای که پس از شهادت جمعی از نمایندگان مجلس و مقامات جمهوری اسلامی در انفجار مهیب ضدانقلاب در ۷ تیر ماه، تشکیل شد این تبصره از لایحه معاملات واحدهای مسکونی حذف شد!

(۲) فقهای شورای نگهبان تبصره ج ماده ۳ لایحه قانونی را نیز رد کرده‌اند. این تبصره "کنترل قیمت واحدهای مسکونی با توجه به امکانات اجرائی" را از جانب وزارت مسکن و شهرسازی پیش‌بینی کرده است. به نظر فقهای شورای نگهبان هرگونه کنترلی بر قیمت‌ها مغایر "موازن اسلامی" است و مردود است و بنابراین سرمایه‌داران آزادند که واحدهای مسکونی خود را اجاره دهند، یا ندهند، یا بفروشند، یا نفروشند. و به هر قیمتی که خواستند بفروشند.

این تبصره نیز در جلسه ۱۰ تیرماه مجلس شورای اسلامی از لایحه فوق حذف شد. (۳) لایحه قانونی برای متخلفین از این قانون مجازات ابطال سند و بقیه در صفحه ۱۳

استقلال - کار - مسکن - آزادی

نظر شورای نگهبان ...

بقیه از صفحه ۱۲

محرومیت از اخذ برگ اجازة انجام معامله برای پنج سال و پرداخت یک بیستم الی یک دهم مبلغ مورد معامله جریمه تعیین کرده است (ماده ۵) شورای نگهبان این ماده ، یعنی ابطال سند ، پرداخت جریمه و سه ماه تا یکسال زندان (در صورت عدم پرداخت جریمه) را مغایر موازین اسلامی دانسته است . اگر به نظر شورای نگهبان معامله "حلال" را محدودیتی نیست و دولت را حق آن نیست که سند مالکیت کسانی را که از این قانون سرپیچی کنند باطل کند و آنان را جریمه کند چه محدودیتی در مقابل کوشش سرمایه داران برای به چنگ آوردن سودهای روزافزون "حلال" می تواند وجود داشته باشد ؟

در جلسه ۱۰ تیرماه مجلس شورای اسلامی ، مجلس ابطال سند را از لایحه حذف کرد و با این استدلال که آب ، برق ، تلفن و گاز خدماتی است که دولت تأمین می کند و در صورتی که کسی از قانون دولت سرپیچی کرد دولت می تواند این خدمات را برای متخلف تأمین نکند ، تصویب کرد که چنانچه خریدار از قانون تخلف کند (یعنی با آن که دارای واحد مسکونی است و واحد جدیدی خریداری کند) برای ۵ سال خدمات فوق قطع خواهد شد و وجهی که بابت حق اشتراک این خدمات پرداخت شده است به خریدار بازپس داده خواهد شد . برای آن که خریدار بتواند از این خدمات استفاده کند باید یک بیستم الی یک دهم مبلغ مسکن خریداری شده را بپردازد . بدین ترتیب برای منطبق کردن لایحه انجام معاملات واحدهای مسکونی با "موازین اسلامی" شرایطی در قانون بوجود آمده است که خریدار می تواند با پرداخت یک بیستم الی یک دهم قیمت واحد خریداری شده به

دولت هرچند واحد مسکونی که می خواهد بخرد ، با توجه به این که قیمت رسمی واحدهای مسکونی براساس قیمت های منطقه ای بسیار کمتر از قیمت واقعی است و به فرض خانه ای که به قیمت ۵۰۰ هزار تومان خریداری می شود به قیمتی شاید کمتر از ۳۰۰ هزار تومان یا حتی کمتر از آن در سند ثبت شود خریدار با پرداخت ۱۵ الی ۳۰ هزار تومان جریمه (آنهم در صورتی که دستگاه های اجرائی تقلب وی را دریابند) دلالانی که در کار خرید و فروش مسکن هستند مانعی جدی در مقابل خود نمی یابند .

حذف مجازات ابطال سند که به معنای ابطال معامله است از لایحه قانونی به معنای حذف مهم ترین قسمت آن را به صورت قانونی بی اثر برای مقابله با بورس بازاری و دلالان مسکن در آورده است و این نتیجه اظهار نظر

فقهی شورای نگهبان است . ۴- به نظر فقهای شورای نگهبان ماده ۷ لایحه قانونی نیز مردود است . به موجب این ماده کلیه کسانی که بیش از یک واحد مسکونی در یک شهر و دو واحد مسکونی در سراسر کشور داشته باشند موظفند مشخصات و نحوه بهره برداری از واحدهای مسکونی خود را به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام دارند . فقهای شورای نگهبان ، از قرار معلوم ، براین عقیده اند که تعیین چنین وظیفه ای برای مالکانی که ممکن است دهها واحد مسکونی را مالک باشند خروج از " موازین اسلامی " است . تصمیم در این باره در مجلس هنوز معلق مانده است .

بدین ترتیب می بینیم که فقهای شورای نگهبان ، عمده ترین جنبه های لایحه قانونی را که علیرغم کاستی های آن می توانست در چهارچوب برنامه ای عمومی

برای مسکن نقش مثبتی در مقابله با دلالان و بورس بازان مسکن داشته باشد مردود دانسته اند .

این نظر فقهای شورای نگهبان در راستای همان سیاستی است که با اجرای بند ج و دال و دیگر اقداماتی که در جهت محدود ساختن آزادی فعالیت سرمایه های بزرگ و وابسته است به مخالفت می پردازد .

این سیاستی است که مستقیماً " رویاروی اقدامات اساسی که برای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن قرارداد دارد . اظهار نظر اخیر فقهای شورای نگهبان بی تردید مایه خشودگی بازرگان ، صباغیان ، معین فر و ... نمایندگان سرمایه داران لیبرال در مجلس و تمامی سرمایه داران بزرگو وابسته است می بینند فقهای شورای نگهبان بیشتر به امنیت سرمایه و مالکیت می اندیشند تا به امنیت و رفاه کارگران و زحمتکشان میهن .

شرایط حاد اقتصادی میهن ایجاب می کند که دولت رجائی دست از درنگ ها و تنگ نظری ها بردارد و در زمینه مسکن و دیگر مسائل مردم اجتماعی ، گرانی ، بیکاری ، آوارگان جنگ و ... سیاست های اساسی و همه جانبه اتخاذ کند .

برنمایندگان مجلس شورای اسلامی است که لویحی چون لایحه بودجه و ملی کردن تجارت خارجی را هرچه زودتر در دستور کار مجلس قرار دهند و با توجه به خواست های برحق کارگران و زحمتکشان میهن قوانینی اساسی و اصولی و در جهت تأمین منافع توده های محروم و زحمتکش به تصویب رسانند .

شورای نگهبان نباید در مقابل قوانینی که در جهت تأمین منافع توده های محروم و تحدید آزادی سرمایه های بزرگ و وابسته است ایستادگی کند .

تأمین نیازهای مردم توده های محروم و زحمتکش میهن ضرورت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی دموکراتیک مردم میهن ماست .

امپریالیسم خبری به تشنجات داخلی دامن می زند

۶۷٪ اخباری که رویتر در خردادماه از اوضاع داخلی ایران مخابره کرده است، در مورد تشنجات داخلی و درگیری ها و سخنان بنی صدر بود .

در روزهای اخیر، خردادماه از ایران مخابره امپریالیسم خبری بر دامنه تبلیغات و کارزار تبلیغی روانی خود علیه انقلاب ایران افزوده است . "مجموع اخباری که خبرگزاری خرسنگی های امپریالیستی و بنگاه های سخن پراکنشی امپریالیستی و صهیونیستی همچون صدای آمریکا، رادیو اسرائیل ، بی بی سی، رادیو کلن و ... و نیز شبکه گسترده مطبوعاتی غرب با حدت و شدت بیشتری به نشر اکاذیب و پخش اخبار تحریک آمیز و تشنج آفرین ادامه می دهند . آنها ردیالانه رویدادهای ایران را زیر ذره بین قرار داده و هرآنچه را که بیشتر به تشنج و خشونت دامن می زند، انتخاب کرده و با افزودن دروغ ها و شاخ و برگ منتشر می کنند . خبرگزاری انگلیسی رویتر عامل بارز این شیوه تبلیغی است . مردم انقلابی میهنمان به خوبی با سوابق این خبرگزاری و نقش استعماری آن در سالهای مشروطه و پس از آن آشنا هستند و می دانند که صاحبان و گردانندگان این شبکه خبرگزاری علاوه بر عقد قراردادهای استعماری و ننگین با همدستی طبقات حاکمه و استبداد عصر فاجار و پهلوی با جعل اخبار و واژگونه نشان دادن حقایق به سرکوب نیروهای انقلابی یاری رسانده است . حدود یکصد سال است که " خبرگزاری ضدانقلابی در رابطه با ایران عمده دار این نقش ضد انقلابی و استعماری است و این عجیب نیست که مردم میهنمان به خوبی چهره زشت و دروغ پرداز آن را می شناسند .

بر اساس تحقیق واحد بین المللی خبرگزاری پارس ۶۷٪ اخباری که رویتر در

گسسته باد همینه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ،
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

در هفته گذشته شاخه‌ها و هواداران سازمان در نقاط مختلف کشور با انتشار اعلامیه و تراکت توطئه جنایتکارانه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را که منجر به شهادت دهها تن از نیروهای انقلابی شد محکوم کردند

بمب‌گذاری ضد انقلاب نشانه ضعف و زبونی دشمنان انقلاب است

* - هواداران سازمان در قم در رابطه با فاجعه بمب‌گذاری عناصر ضدانقلاب در ایستگاه راه‌آهن قم اعلامیه‌ای منتشر کردند و در آن خطاب به مردم قهرمان قم یادآور شده‌اند: "... انفجار سالن انتظار راه‌آهن قم جزیی از نقشه‌های توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است این اقدام جنایتکارانه که منجر به شهادت و زخمی شدن دهها نفر از هموطنان ماست هدف گسترش و دامن زدن به جو ناامنی انجام گرفته است. باید با هوشیاری از اینگونه دسیسه‌های امپریالیسم و مزدوران آن جهت کشف و خنثی کردن اینگونه اقدامات و متلاشی ساختن شبکه‌های ضدانقلابی، به ارگان‌های مسئول جمهوری اسلامی یاری رسانیم"

چه کسانی

قلب انقلاب را نشانه می‌گیرند؟

* - در بخشی از اعلامیه‌ای که هواداران سازمان در آمل منتشر کردند چنین آمده است: "... ما از همه نیروهای مردمی و راستین خط امام مصرا می‌خواهیم که هرچه زودتر به این درگیری‌های دشمن شادکن خاتمه داده و با حفظ آرامش جهت استقرار قانون اساسی، که با وجود ضعف‌هایش مطلوب منافع سرمایه‌داران نیست بکوشند. مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب را که امروز به شدت به وسیله نیروهای از خط امام و مجاهدین خلق درهم آمیخته است با افشا و طرد لیبرالها و جبهه ملی و ... و معرفی صریح و مشخص دوستان داخلی و خارجی انقلاب معلوم سازند."

با برخورد مسئولانه به

تشنجات درون پالایشگاه پایان دهید

* - هواداران سازمان در پالایشگاه شیراز ضمن اشاره به برخوردهای ماجراجویانه و وحدت‌شکنانه‌ای که شکل و وحدت در اتحادیه سراسری صنعت نفت را فدای منافع گروهی و

سیاسی خود می‌نمایند، خطاب به مسئولین اعلام داشته‌اند: "... مفهوم عدم تمایل مقامات وزارت نفت و مسئولین جمهوری اسلامی به مذاکره و مشورت با شوراها پیرامون مطالبات کارکنان و محدودیت‌تراشی‌های اداری برای شوراها و نمایندگان کارکنان، بی‌اعتنایی آشکار و لجام‌گسیخته به نیروهای مورد اعتماد کارگران و کارمندان یعنی تشکل‌های سندیکایی و نهادهای شورایی است که در اصول ۶، ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی بیان شده است. متأسفانه موضع‌گیری‌ها و برخوردهای غیراصولی هم اکنون یکسری مقابله‌های ناخواسته کارکنان با مسئولین را سبب شده و فضای مسموم و تشنج‌زا را در محیط‌های صنعت نفت پدید آورده است"

تیرباران قربانیان نظام سرمایه داری راه اساسی مبارزه با فساد و فحشاء نیست

* - در قسمتی از اعلامیه‌ای که هواداران

اخبار شهرستان‌ها

با مقاومت مردم توطئه به تعطیل کشادن بازار رشت درهم شکست

رشت - مردم انقلابی رشت با هشیاری و در کمال آرامش توطئه‌ای را که توسط ضدانقلاب برای به تعطیل کشادن بازار سازماندهی شده بود، درهم شکستند. این عمل ضدانقلابی که قرار بود پس از اعلامیه جبهه ملی در ۲۵ خرداد انجام گیرد، با مقاومت مردم و شعارهایی نظیر "بستن بازار حمایت از امریکاست - مرگ بر سرمایه‌دار - مرگ بر لیبرال" روبرو شد. پس از شکست این توطئه عده‌ای از محترکان و تجار بزرگ دستگیر شدند که در میان آنها آقا جان عمرانی (عنصر صهیونیست که با اسرائیل رابطه دارد)، عظیمی، درخشان، طباطبائی، مددی رئیس سابق اتاق اصناف و عده‌ای دیگر دیده می‌شوند.

فعالیت شوراهای همیاری

شهرکرد - اعضای شوراهای همیاری منطقه "میزدج" از توابع شهرکرد با تشکیل کلاس‌های آموزشی، مسائل و مشکلات منطقه را با روستائیان در میان گذاشتند و در زمینه مسائل اساسی انقلاب بحث و گفتگو کردند. در پایان این دوره که با شرکت بیش از ۱۰۰ تن از اعضای شوراهای همیاری تشکیل شده بود قطعنامه‌ای منتشر گردید در این قطعنامه به ضرورت مبارزه پیگیر علیه توطئه‌های امریکا و تجاوزات رژیم صدام، لزوم اجرای بند "ج" و ملی کردن تجارت خارجی، کمک‌رسانی به جنگ‌زدگان مستقر در استان و رسیدگی به خواست‌های زحمتکشان منطقه اشاره شده است. اعضای شوراهای همیاری "جرنقان" نیز با

سازمان در کرد غرب منتشر کردند. چنین می‌خوانیم:

... دادگاه انقلاب اسلام آباد غرب دانش‌آموز ۱۵ ساله‌ای به نام "مرادعلی قشقایی" اهل کرد غرب را به جرم لواط در روز پنجشنبه ۲۱ خرداد محکوم و سحرگاه این حکم را به اجرا درآورد. مردم شهر پس از اطلاع از این واقعه تأسف عمیق خود را از این ندانم‌کاری بعضی از مسئولین قضایی بخصوص در مورد اعدام غیر اصولی فوق که خانواده‌های زحمتکش و فقیر را در غم و اندوه فرزندشان فرو برد، ابراز داشتند ما معتقدیم که به جای اعدام قربانیان نظام منفور سرمایه‌داری باید ابتدا دست تمامی استثمارگران، محترکان و دیگر غارتگران از جان و مال مردم قطع شود. باید از طرفی با ریشه‌کن کردن بیکاری و بیسوادی و از طرفی با اشاعه فرهنگ انقلابی و مترقی با علل این انحرافات مبارزه کرد. باید افرادی که به انحراف کشیده شده‌اند بطور همه جانبه مورد آموزش قرار گرفته و تجدید تربیت شوند"

انتشار قطعنامه ۱۶ ماده‌ای خواست‌های خود را به اطلاع مسئولین رساندند. همچنین اعضای شورای همیاری "چالستر" خواهان مصادره اموال و زمین‌های حسن‌خان ستوده و پسرش ابراهیم‌خان شدند. این خوانین که در رابطه با عوامل کودتای نوزده دستگیر شده‌اند هم‌اکنون در زندان اصفهان بسر می‌برند. در خاتمه یادآور می‌شویم که شوراهای همیاری مناطق مختلف شهرکرد سهم زیادی در متشکل کردن مردم و رفع مشکلات آنان داشته و در میان زحمتکشان از پایگاه خوبی برخوردارند.

در مزارع چای رفقای ما «کار» را با آگاهی گره زدند

تنکابن - دامنه جنگل‌های تنکابن هنگام چیدن محصول بهاره‌چای از بوته‌های سبز پوشانده می‌شود و چایکاران که مجبورند در مدت چند روز برگ سبز چای را بچینند، با کمبود نیروی انسانی مواجه می‌گردند رفقای ما امسال نیز همچون سالهای گذشته به یاری چایکاران شتافتند و ضمن همکاری با آنان از مشکلاتشان، ضرورت اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی یا روستائیان سخن گفتند. پیرمردی می‌گفت: "ما باید دست به دست هم بدهیم تا کارها پیش برود. زمانی که شما به کمک ما می‌آئید و یا در روستای "دُرْجان" شورای ده تشکیل می‌دهند و زمین‌های منطقه را از دست حاجی احسان فتودال خارج می‌کنند انسان بیشتر به زندگی امیدوار می‌شود."

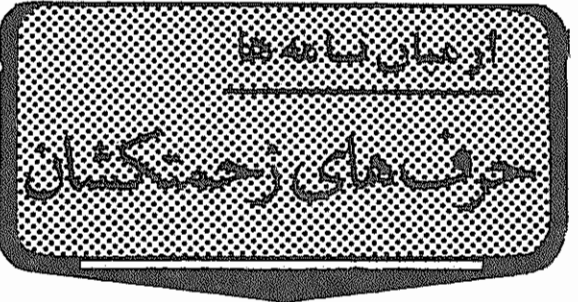
۱۴۰ کشتی در بندر عباس در انتظار

تخلیه آند

بندرعباس - پس از شروع جنگ تحمیلی و تعطیل شدن بیشتر بنادر خوزستان، بندرعباس به صورت مهم‌ترین بندر برای تخلیه کالاها درآمد. در حال حاضر بیش از ۱۴۰ کشتی در انتظار تخلیه هستند. در این کشتی‌ها مواد اولیه، کالاهای موردنیاز مردم، آهن‌آلات و سایر وسائل وجود دارد که به علت نابسامانی در امور حمل و نقل و کارشکنی تجار بزرگ و مدیران

بقیه در صفحه ۱۶

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



می خواهیم از رنج کردستان

سخن بگویم

که رنج سوختن در کنار کوره ها

در مقابلش ناچیز است

نویسندگان محترم روزنامه کار
من یک کارگر هستم که برای پیدا کردن لقمه‌ای
نان از یکی از بخش‌های دورافتاده کردستان به
کوره‌پزخانه‌ای در اطراف تهران آمده‌ام . نشریه
کار را می‌خوانم و مدت‌هاست که دلم می‌خواهد
برای شما نامه‌ای بفرستم و گوشه‌ای از درد
کشنده‌ای را که می‌کشم برایتان بنویسم .
فکر نکنید که من هم چون سایر برادران و
خواهران کارگری که برای شما نامه می‌نویسند
می‌خواهم از ظلمی که در کوره‌پزخانه به من و
امثال من می‌شود صحبت کنم ، نه ، از رنج
دیگری حرف می‌زنم که رنج سوختن در
کوره‌پزخانه در مقابل آن کوچک است .

من از بدبختی و نکبت جنگ برادرکشی
کردستان حرف دارم . به عنوان کسی که به چشم
خود دیده‌ام و آثار و عواقبش را تحمل کرده‌ام .
من از یک طرف شاهد سوختن دهات ، قتل‌عام
وحشیانه مردم " قارنا " " ایندرفاش " توسط
باند مزدور ملاحسنی و معبودی و مرادقطاری و از
طرف دیگر شاهد کشتار دسته جمعی پاسداران و
افراد بسیج و سربازان توسط دارودسته قاسملو ،
کومهله و زرگاری در جاده‌ها و دشت‌های کردستان
بوده‌ام .

من بر مزار ده‌ها شهید ایندرفاش " ، " قارنا "
و " قلاتان " که مزدوران حسنی آنها را به
رگبار بستند و با قمه سینه‌هایشان را شکافتند ،
اشک ریخته‌ام و برای ۸۰ نفر جوان کارگر و دهقان
که توسط دستجات باند قاسملو تحت فرماندهی
یک افسر سلطنت طلب و ضد انقلابی ، شهید
شدند گریه کرده‌ام .

اکنون حدود دو سال است که کردستان در
آتش جنگ برادرکشی می‌سوزد . در این مدت
هزاران جوان و زحمتکش انقلابی در خون خود
غلطیده‌اند و هزاران خانواده از هم پاشیده‌اند .
مخالفتان حل صلح آمیز و عادلانه مسئله
کردستان در هردو طرف ، که به برکت جنگ ،
فرمانده ، مسئول و مشهور شده‌اند مانع می‌شوند
که عمق جنایتی را که امروز در کردستان اتفاق
می‌افتد و در تاریخ ایران شاید نظیر نداشته
باشد مردم بفهمند . این جنگ برادرکشی برای
ما نصیبی جز فقر ، بیکاری ، و آوارگی و از
دست دادن عزیزانمان نداشته‌است .

چند بار که به کردستان رفتم و به مردم گفتم
که در کوره‌پزخانه‌های تهران پاسداران از حق
کارگر دفاع می‌کنند اصلاً باورنکرده‌اند ، زیرا
پاسداری که در کردستان به دستور حسنی
می‌جنگد و دهات و شهرها را به گلوله می‌بندد
و به وسیله دارودسته قاسملو به مردم کردستان
معرفی می‌شود هیچ شباهتی با پاسداری که به
کوره‌پزخانه می‌آید و به پشتیبانی از ما رو در
روی سرمایه‌دار می‌ایستد ، ندارد .

باید دولت جمهوری اسلامی بداند که به خاطر
اعمال جنایت‌کارانه حسنی و معبودی و مراد
قطاری و امثال آنهاست که مردم کردستان از
دولت ناراضی هستند . و حتی در جاهایی که
کشتاری توسط آنها صورت می‌گیرد عده‌زایدی
از مردم تحت تبلیغات دارو دسته قاسملو و
سایرین ، مسلح شده‌اند تا از خودشان در مقابل
یورش حسنی و آیدای‌اش دفاع کنند .

از طرف دیگر به خاطر محاصره اقتصادی و
بیکار شدن مردم ، سلطنت طلب‌ها و طرفداران
بختیار که تعدادشان در حزب قاسملو کم نیست ،
امکان پیدا کرده‌اند به نفع رژیم گذشته و علیه
رژیم جمهوری اسلامی تبلیغات کنند . بطوریکه
مدتی قبل یکی از آنها در مقابل من که از جمهوری
اسلامی دفاع می‌کردم رو به مردم کرد و گفت :
" آخر جمهوری اسلامی چه چیزی برای شما داشته
است که رژیم گذشته نداشت . شما ۲۰ لیتر نفت
می‌خریدید ۵ تومان حالاً می‌خرید ۳۰۰ تومان ،
یک کیلو قند می‌خریدید ۲۹ ریال حالاً می‌خرید
۲۵ تومان ، یک جفت کفش لاستیکی می‌خریدید
۷ تومان حالاً می‌خرید ۹۰ تومان و حتی

جمهوری اسلامی نمی‌گذارد دارو به روستاها و
شهرهایی که محاصره شده‌اند بیاید . بطوریکه
آمیولی که قبلاً یک تومان بود حالا یا نیست و
یا اگر باشد ۲۰ تومان است .

من در حالیکه از ناراحتی آتش گرفته‌بودم
واقفاً جوابی نداشتم به او بدهم و او هم سعی
می‌کرد مردم را قانع کند که رژیم جنایتکار و
خائن شاه از رژیم جمهوری اسلامی که حاصل خون
ده‌ها هزار شهید و معلول انقلاب است ، بهتر
است .

در خاتمه از تمام کسانی که حساب خودشان را از
ملاحسنی‌ها و قاسملوها جدا کرده‌اند تقاضا می‌کنم
که برای برقراری صلح و پایان بخشیدن به جنگ
ظالمانه کردستان تلاش نمایند و این مردم زجر
کشیده را که دو سال است شب و روز ندارند از این
وضع نجات دهند .

امیدوارم سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت) در ادامه راه انقلابی خود پیروز
باشد .

امضاء محفوظ - کارگر کوره‌پزخانه
۱ تیر ماه ۱۳۶۰

ضد انقلاب را افشاء کنیم

(۱۲)

هشدار: خوانین خائن

و ضد انقلابیون در صدد

گشودن جبهه جنگ

تازه‌ای در فارس هستند

۲۷ - خوانین خائن قشقایی و ضدانقلابیون
مناطق فارس و بویر احمد که با سقوط بنی صدر ،
یکی از حامیان خود را از دست داده‌اند ، با
عجله و شتاب در صدد اجرای توطئه‌های تازه و
گسترده‌ای هستند . یکی از طرح‌های آنان
کشاندن دامنه جنگ و آشوب به مناطق مزبور
است .

آمد و رفت‌ها و قرارومدارهای تازه میان
ضدانقلابیون و اخباری که از فارس و کهگیلویه و
بویر احمد می‌رسد حکایت از اقدامات جنگ
افروزانه و مسلحانه خوانین و آیدای‌شان دارد .
بر اساس یک خبر کاملاً موثق در سرحد
" چهاردانگ " عناصر مزدور و دستجات مسلح
وابسته به ناصر و خسروخان قشقایی در صدد
حمله گسترده علیه پاسداران ، نیروهای بسیج و
سایر نیروها و نهادهای انقلابی هستند .

ضد انقلابیون و ساواکی‌ها با این دستجات
تماس مستقیم گرفته و اعلام همکاری کرده‌اند .
" محمد حسن فروتن " زمیندار بزرگ و ساواکی
معروف که از طرفداران تیمسار مدنی فراری است
و با سلطنت طلبان خارج کشور تماس مستقیم
دارد و همچنین " از ثانی فروتن " ، " مهدی
سلهیری " ، " ثابت " و تعدادی دیگر از
ضدانقلابیون درکنار خوانین قشقایی در تدارک
عملیات ضدانقلابی گسترده‌ای هستند .

در ادامه این حرکات ، روز ۲۶ خرداد ۶۰
سه نفر به اردوی خوانین قشقایی وارد می‌شوند که
گویا از طرف بنی صدر پیغامی داشته‌اند .
همچنین از طرف خواهر خسروخان قشقایی نیز
شخصی بنام " ملکی " به اردو می‌آید و روز بعد
به تهران باز می‌گردد . به دنبال این آمد و

رفت‌های توطئه‌آمیز خوانین نیز موقتاً پراکنده
می‌شوند و ناصر قشقایی با تعدادی تفنگچی و
ماشین به طرف موسیخان (شرق کازرون) به
نزد حاج " عیوض‌قلی " زمیندار بزرگ کوهمره
می‌رود . " عبدالله قشقایی " به " دارنگان "
عزیمت می‌کند و " خسروخان قشقایی " در
" مهکویه " مستقر می‌گردد . " داریوش " پسر
خواهر خسروخان نیز به طایفه " گلزن " و
" سرخی " رفته است . همچنین تعدادی تفنگچی
از جمله " جهان پولاد کشکولی " از وابستگان
شاهپور غلامرضا پهلوی نیز در جنوب فیروز آباد
مستقر شده‌اند .

" شهباز ضرغامی " از خوانین معروف و متنفذ
بویر احمد به یاسوج رفته در حالی که هنوز
تعدادی از تفنگچی‌هایش در اردو بسر می‌برند .
در این رابطه تعدادی تفنگچی که به زبان
آذری حرف می‌زنند به اردو ، وارد شده‌اند .

همکاری خوانین بهمنی با شیوخ

مرتجع عرب ساواکیها و کودتاگران

۲۸ - ضد انقلاب در منطقه بهمنی و حومه
(از توابع کهگیلویه و بویراحمد) روز به روز
دامنه فعالیت تبهکارانه و توطئه آمیز خود را
گسترش می‌دهد .

خوانین بهمنی با تشکیل جلسات پنهان و
آشکار علیه انقلاب توطئه می‌کنند و با برافروختن
آتش در گیری‌های قومی ، منطقه را به آشوب و
خون‌ریزی می‌کشاند . اخیراً ساواکی‌های بهبهان
کودتاگران نوژه و بعضی از شیوخ مرتجع عرب
ارتباطات خود را با خوانین بهمنی تحکیم و
گسترش بخشیده‌اند .

آنها در حالیکه به فتنه انگیزی و توطئه‌گری
مشغولند ، گستاخی را به جایی رسانده‌اند که
از هنگ ژاندارمری بهبهان تقاضای اسلحه کرده
و دلیل آنرا ، تسلیح فئودال‌ها در کردستان و
تشکیل ستاد عشایری کرمانشاه ذکر کرده‌اند !

عدم حضور نهادهای انقلابی در منطقه و
همکاری برخی از مسئولان ژاندارمری با این
ضدانقلابیون باعث تقویت و گستاخی خوانین و
سایر توطئه‌گران شده است .

صلح رمضان نیرنگ تازه صدام برای فریب مردم

استفاده از اقدامات دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز را برای دفع تجاوز، جزئی از پیکار عادلانه خلق برای بیرون راندن متجاوزان از میهن خود می‌شناسیم. ما به ویژه معتقدیم که دولت جمهوری اسلامی ایران باید تلاش‌های صلح‌طلبانه هیئت صلح جنبش غیرمتمعهدها را مورد تأکید قرار داده و آن را بیش از پیش تقویت کند. تلاش‌های صلح‌طلبانه‌ای که بر دفع کامل تجاوز تکیه دارند. ما همچنین یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که این مردم عراق و نیروهای ترقیحخواه و مردمی و انقلابی عراق هستند که باید سرنوشت رژیم‌هایی را که بر عراق حکومت می‌رانند، تعیین کنند. مسئولیت سرنوشت رژیم صدام برعهده مردم عراق است. ما نیز موظفیم پیوندهایی را که بین مردم و خلقهای عراق در مبارزه مشترک با امپریالیسم، صهیونیسم و متحدان آنان در عراق وجود دارد، مورد تأکید و تأکید قرار داده و از مبارزه آنان قاطعانه پشتیبانی کنیم.

هم‌اینک مبارزه مردم عراق علیه رژیم صدام بیش از همیشه در حال گسترش است. مقاومت خماسه‌آفرین مردم ما علیه تجاوز رژیم صدام به رشد و گسترش مبارزه مردم عراق برای کسب استقلال و آزادی کمک شایان نموده است. بدون تردید تلاش همه‌جانبه ما برای دفع تجاوز و شکست ارتش متجاوز صدام بزرگترین پشتیبانی ما از مردم و نیروهای ترقیحخواه و انقلابی عراق در مبارزه علیه رژیم صدام است.

میهن اسلامی ما تجاوز کرده و شهرهای ما را اشغال کرده است، آنها را ترک کند و باز گردد و بگوید ماه رمضان است و به احترام ماه مبارک رمضان تجاوز را قطع می‌کنم" ما همواره تأکید کرده‌ایم که تنها امپریالیست‌ها و ارتجاع منطقه از ادامه جنگ سود می‌برند. مردم و نیروهای ترقیحخواه عراق و ایران هیچگاه طالب جنگ نیستند. این جنگ آنچنانکه در مصاحبه‌های اسرای عراقی نیز شنیدیم، بر مردم عراق، بر سربازان و درجه‌داران و افسران عراقی نیز تحمیل شده است. صلح‌طلبی‌های رژیم صدام و مشوقان و حامیان آن تا وقتی که در ادامه اشغال نقاط مرزی میهن ما پای می‌فشارند، چیزی نیست مگر توطئه‌ای علیه انقلاب و دستاوردهای آن. این صلح‌طلبی‌های دروغین، تلاش‌های مذبحخانه‌ای است که از سوی محافل امپریالیستی و ارتجاعی برای تحکیم رژیم صدام و رژیم‌های دست نشانده آن در منطقه به عمل می‌آید. این تلاش‌ها برای آن است که از پیروزی ما که ماه مه رشد مبارزات رهایی بخش خلقهای منطقه است، جلوگیری کنند.

با این همه موقعی می‌توان صلح‌طلبی‌های دروغین صدام و حامیان آن را در نظر خلقهای منطقه و جهان افشاء کرد که همراه با تقویت و گسترش پیکار نیروهای مسلح و تحکیم جبهه‌های جنگ از هر اقدام صلح‌طلبانه‌ای استقبال کنیم و مواضع حق طلبانه خود را برای مردم سراسر جهان توضیح دهیم. ما همچنانکه قبلاً نیز گفتیم،

انتظارشان است، توجیه می‌کند. تبلیغات همه‌جانبه امپریالیسم و متحدان آن پیرامون این مانور به اصطلاح صلح‌طلبانه رژیم صدام، سخنان حبیب‌شطی سخنگوی هیئت صلح کنفرانس طائف یکبار دیگر نشان می‌دهد که اهدافی که این محافل در "صلح" تعقیب می‌کنند، همان هدف‌هایی است که در شکل جنگ تجاوزکارانه علیه انقلاب ایران مورد توجه آنان است.

تمام این محافل به این موضع عادلانه جمهوری اسلامی که بر "خروج بی قید و شرط نیروهای متجاوز عراقی" به عنوان نخستین گام واقعی برای پایان جنگ و آغاز مذاکره و دستیابی به صلحی پایدار تأکید دارد بی‌توجهاند.

هیاهوی عوام‌فریبانه در رعایت شعائر مذهبی در حالی است که رژیم صدام با بمباران مناطق مسکونی و هدف‌های غیرنظامی کوچه و بازار، خانه‌ها و مدرسه‌ها، مساجد و بیمارستان‌ها را به آتش و خون می‌کشد. میلیونها نفر را آواره و هزاران تن را به کام مرگ کشانده است.

صدام که می‌کوشد از احساسات مذهبی مردم منطقه به سود خود بهره‌گیرد بهتر است که به این سخن آقای رجائی که گفت:

"صدام بهتر است بیاید و حداقل به عنوان یک نوع حرکت صحیحی که می‌خواهد برای خودش یک موقعیتی بپذیرد بگوید که ماه مبارک رمضان رسیده، باید تجاوز را قطع کنیم یعنی صدام که به

نیروهای مسلح جمهوری در دفاع از استقلال و آزادی میهن در برابر تجاوز امریکائی - صدامی بود.

پیروزی‌های نیروهای مسلح جمهوری طی همین مدت کوتاهی که از عزل بنی‌صدر می‌گذرد، فتح تپه‌های استراتژیک بازی‌دراز، آزاد ساختن محورهای لجستیکی در جبهه‌های جنوب، عقب راندن دشمن از ارتفاعات استراتژیک در جبهه غرب به اضافه تلفات قابل تأکیدی که طی این مدت به واحدهای تدارکاتی و رزمی ارتش متجاوز صدام وارد آمد، رژیم صدام و متحدان آن را در وضعیت جنگی و سیاسی به مراتب نامطلوب‌تری قرار داده است.

به این ترتیب تحولات سیاسی اخیر با حذف خطی که شعار مرگ بر امریکا را به تدریج به فراموشی می‌سپرد، تعرض علیه امریکا و منافع آن را از جمله در گستره تشدید مقاومت در برابر جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام که با تشویق امریکا و امپریالیست‌های دیگر و با پشتیبانی رژیم‌های دست نشانده و امریکائی منطقه عربستان، مصر، اردن، پاکستان و... بر مردم ما تحمیل گردید، تقویت نموده است.

تحکیم موقعیت نیروهای مسلح جمهوری در جنگ تحمیلی رژیم صدام که به معنی به مخاطره افتادن هرچه بیشتر منافع امریکا و متحدان آن در منطقه و نیز در داخل مرزهای کشور است از سوی این محافل تلاش تازه‌ای را برای جلوگیری از شکست مفتضحانه‌ای که در

پس از گذشت ۹ ماه از جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه انقلاب ایران، صدام مذبحخانه تلاش کرد با بهره‌گیری از احساسات مذهبی مردم عراق و منطقه دست به مانور تازه‌ای برای تجدید قوا بزند. طرح محیلانه صدام که توسط اولاف پالمر نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد به مقامات ایرانی تسلیم شد، تقاضای آتش بس موقتی است به نام "صلح رمضان" که ظاهراً به خاطر احترام به شعائر مذهبی پیشنهاد شده است.

علیرغم ادعاهای بنی‌صدر که می‌گفت چنانچه از فرماندهی کل قوا به کنار گذاشته شود "آبادان توسط رژیم صدام به اشغال درخواهد آمد" با عزل و افشای او وضعیت جبهه‌های جنگ به نحو چشم‌گیری به سود نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تغییر کرد.

بنی‌صدر که در طول مسئولیت خود با احیاء آئین‌نامه‌ها و مقررات ارتش شاهنشاهی تا آنجا پیش‌رفته بود که پاره‌ای از فرماندهان جسارت آن را یافته بودند که برای خود از میان سربازان "گماشته" تعیین کنند، به روحیه رزمی سربازان که بار اصلی جنگ برعهده آنهاست ضربات جدی وارد آورد.

تلاش او برای جداساختن ارتش از سپاه، تبلیغات و اقداماتی که برای بی‌اعتبار ساختن جمهوری و نهادهای مردمی انقلاب به عمل می‌آورد، دامن زدن به سرخوردگی از انقلاب و تبلیغ یاس و نومیدی نسبت به پیشرفت و تعمیق انقلاب در مسیر ضعف و سستی

صورت‌های پوشیده بودند. در این حادثه یک نفر کشته و دو نفر زخمی می‌شوند. فرماندهان پاسگاه ژاندارمری که در نزدیکی محل قرار داشتند پس از اطلاع از ماجرا اعلام می‌کنند: "چون افراد کافی برای مقابله با راهزنان در اختیار نداشتیم نمی‌توانستیم با آنها مقابله کنیم." راهزنان مسلح به مسافری می‌گفتند: "ارتشی‌ها بروند کنار بایستند با آنها کاری نداریم. پاسدارها را نشان بدهید." و "یافلان شده‌ها شما که تا دیروز می‌گفتید درود بر بنی‌صدر پس چه شد" حمله و ایجاد ناامنی در جاده‌ها به دستور ضد انقلاب در منطقه و مشخصاً خسروخان قشقائی صورت گرفته است. با توجه به وضعیت محل واقعه و طوایفی که در آن زندگی می‌کنند، می‌توان گفت این حادثه نیز از نمونه حوادثی است که در جاده شیراز - کازرون در خردادماه اتفاق افتاده است.

ناامنی، سرقت و ترور در جاده‌ها توطئه جدید خوانین قشقائی

شیراز - روز هفتم تیرماه جاده فیروزآباد - شیراز توسط عمال خوانین بسته می‌شود. این مزدوران با ایجاد راهبندان به سرنشینان ۴۰ ماشین دستبرد زده و پول و اشیاء قیمتی آنها را به سرقت می‌برند.

راهزنان پس از حضور سپاه پاسداران و ژاندارمری متواری می‌شوند. روز جمعه ۱۲ تیرماه ساعت ۷ بعد از ظهر ۵۰ نفر از راهزنان مسلح به ژ - ۳ تفنگ برنو در گردنه قادرآباد (بین سعادت‌آباد و دهبید در جاده شیراز - اصفهان) راه را بر مسافری بسته و مقادیر زیادی از وسائل قیمتی و پول‌های مسافری را به سرقت می‌برند. این عناصر دارای لباس‌های متحدالشکل و

بقیه از صفحه ۱۴

اخبار

شهرستان‌ها

لیبرال سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، کار تخلیه کشتی‌ها به کندی پیش می‌رود. با توجه به گرمای فوق‌العاده بندرعباس امکان فاسد شدن بعضی کالاها نیز وجود دارد. مسئولان وزارت بازرگانی و وزارت راه با تهیه طرح‌های انقلابی که لازمه آن مبارزه جدی با تجار بزرگ و مدیران لیبرال و به خدمت گرفتن نیروهای مومن به انقلاب است، می‌توانند در سرعت بخشیدن به تخلیه کشتی‌ها و سر و سامان دادن به امر واردات و حمل و نقل تلاش نمایند.

((مجاهد افغانی)):

من از جنگ با دولت افغانستان پشیمانم، اگر بگذارند به مملکت خودم برمی گردم!

صدور کارت شناسائی برای مهاجرین افغانی در استان یزد

حکیم پور که مهندس است و ما را تشویق به جنگ می کند .
س - آیا شما هنوز هم به جنگ با دولت راضی هستید ؟
ج - خیر دیگر من راضی نیستم که با دولت بجنگم . اصلا بیشتر کسانی که فرار کرده اند و یا می جنگند ، گول خورده اند . من حاضرم اگر بگذارند ، به مملکت خودم برگردم .
س - آیا دولت افراد را به به زور وادار به کار می کند ؟
ج - خیر این حرفها همه دروغ است . دولت زمین زمینداران بزرگ را می گیرد و به دهقانان بی زمین می دهد . کلیه سرمایه دارانی که بودند ، سرمایه شان را گرفته و در کارهای ساختمانی و کارخانهها به کار می بندند . برای همین سرمایه دارها فرار کرده اند .

دارد ، شما جز کدام گروه هستید ؟
ج - در افغانستان چندین گروه است از قبیل پرچم ، حرکت انقلابی افغانستان و ... که من جزء مجاهدان هستم .
س - "مجاهدین افغانی" چگونه می توانند به ایران بیایند ؟
ج - هر کس که بخواهد به ایران بیاید می تواند خود را جزء مجاهدان معرفی کند و از مرز خارج و به ایران وارد شود .
س - حاجی آقا ! شما که برای اسلام می جنگیدید رهبر شما چه کسی بود ؟
ج - رهبر ما شخصی به نام حسینعلی است که در عربستان سکونت دارد و از آنجا پول و اسلحه می فرستد . یکی دیگر هم هست به نام

گفتگو با یک مجاهد افغانی

مصاحبه زیر که با یکی از افغانی های مقیم "گلوگاه" انجام گرفته است ، به خوبی ماهیت مجاهدین افغانی و نوع فعالیت آنها را نشان می دهد .
س - لطفا خودتان را معرفی کنید .
ج - اسم من " خاک " است و اسم اصلی من حاجی میر شفاهی .
س - آقای شفاهی شما در افغانستان چه کار می کردید و چطور شد که به ایران آمدید ؟

ج - من در افغانستان تجارت می کردم و موقعی که جنگ شد (جنگ بین نیروهای دولتی و "مجاهدان" افغانی) من از افغانستان فرار کردم و به مشهد و از آنجا به گرگان آمدم . چون در مشهد و گرگان افغانی زیاد است .
س - آیا همراه با مخالفین افغانی بر علیه دولت افغانستان می جنگیدید ؟
ج - بله من بر علیه دولت می جنگیدم .

س - برای چی می جنگیدید ؟
ج - به خاطر اسلام می جنگیدم .
س - شما در جنگ برای اسلام ، کمک مالی و اسلحه از کجا دریافت می کردید ؟
ج - کمکها را ما از عربستان سعودی ، پاکستان ، چین دریافت می کردیم .
س - آیا شما در افغانستان زمین داشتید ؟

ج - من در حدود ۶۰ هکتار زمین داشتم و چند دهقان روی زمین من کار می کردند . وقتی که "ببرک" کارمل روی کار آمد ، زمینهای کسانی که زیاد بود از دستشان گرفت و به دهقانان داد و به آنها دستور داد اگر کسی روی زمین شما آمد تا مانع کشت شما شود او را تحویل مقامات دولتی دهید . من هم چون این وضع را دیدم به مجاهدان افغانی پیوستم .
س - حاجی آقا ! در افغانستان چند گروه وجود

اخبار مربوط به فعالیت باندهای ضدانقلابی "افغانی" در نقاط مختلف میهنمان به خوبی نشان می دهد که چگونه این جنایتکاران با ایجاد جو ناامنی و اشاعه فحشاء و فساد ، زیر رهبری فتویدالها و سران عشایر و تجار و سرمایه داران افغانستان به دستور اربابان امپریالیستشان به توطئه علیه انقلاب ضدامپریالیستی میهنمان و مردم افغانستان مشغولند . اما متأسفانه دولت جمهوری اسلامی علیرغم تمام این واقعیت های سرسخت همچنان با حمایت از ضدانقلابیون افغانی ، به سیاست مخرب خود ادامه می دهد .
ما بار دیگر تأسف می کنیم سیاستی که دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر انقلاب افغانستان اتخاذ کرده است تنها امپریالیسم و دول ارتجاعی منطقه را شادمان می سازد و علیه انقلاب ایران و افغانستان است اکنون بسیاری از فریب خوردگان افغانی که در میهنمان هستند از جنگ با دولت مردمی افغانستان پشیمانند و آماده اند که در صورت موافقت دولت ایران به میهن خود برگردند .

در منزل وی مبادرت به تأسیس درمانگاهی بدون مجوز نمود . و به علت عدم آشنائی " آقای دکتر " به امر طبابت ، جان عده ای بیمار به خطر افتاد و مردم علیه این پزشک دروغین شکایت کردند . پس از آن بهداری زایل برای رسیدگی به کار درمانگاه مراجعه کرده و مدارک لازم را مطالبه می کند . آقای حکیم باشی به جای ارائه اسناد لازم طبابت ، مدارک وابستگی خود به حزب اسلامی افغانستان را به مأمورین نشان می دهد ، مدارکی که به انکاء آنها اقدام به تأسیس این درمانگاه کرده بود ! ولی خوشبختانه مأمورین بهداری متوجه توطئه شایدانه حکیم باشی می شوند و از ادامه کار درمانگاه جلوگیری می کنند .
* چندی پیش در یکی از محله های " خمینی شهر " اصفهان ، (همایون شهر سابق) دختر پنج ساله ای گم می شود که فردای آن روز جسدش را در جلو خانه شان پیدا می کنند . این دختر که توسط دو نفر افغانی ربوده شده بود ، به تشخیص پزشک قانونی پس از تجاوز به وی در زیر ضربات مشت و چاقو کشته شده است . دو نفر افغانی به اتهام این جنایت دستگیر می شوند . این نمونه ای از جنایات بی شماری است که به دست " مجاهدین افغانی " به وقوع پیوسته است .

به دنبال سرقت های متوالی توسط افغانی های به اصطلاح " مجاهد " در استان یزد ، استانداری این استان اقدام به شناسائی ۳۵ هزار مهاجر افغانی کرده و برای آنها کارت شناسائی صادر نمود . اما علیرغم این اقدامات شی نیست که در سطح استان توسط آنان سرقتی صورت نگیرد و اقدامات مسئولین استان در توزیع گسترده مواد مخدر به دست برادران افغانی " مجاهد " نیز وقفه ای ایجاد نکرده است .
به اعتقاد ما صدور کارت برای جلوگیری از خرابکاری های " مجاهدین افغانی " تنها یکی از اقدامات مفید است . راه حل اساسی را باید در تصحیح سیاست جمهوری اسلامی در قبال دولت افغانستان و " مجاهدین افغانی " جستجو کرد .

تأسیس درمانگاه قلبی توسط دکتر مجاهد

* همراه با ورود آزادانه ضدانقلابیون افغانی و تأسیس دفاتر آنها در نقاط مختلف کشور ، چندی پیش یکی از " مجاهدین " عضو حزب اسلامی افغانستان نیز به نام دکتر سلیمان معروف به حکیم باشی به ایران آمد . او پس از ورود به شهرستان زابل و تماس با " محمد شریف خان بزی " یکی از خوانین معروف سیستان ،

بقیه از صفحه ۴

اقدامات ...

یعنی با اعدام پاسخ می گوید ، قطعاً در مقابل چنین وضعی احساس عدم امنیت و عدم اعتماد می کنند و بر چنین زمینه ای است که اعتماد و نتیجتاً حمایت مردم از جمهوری اسلامی کاهش می یابد که قطعاً برای انقلاب بس زیانبار است .

با توجه به همه موارد فوق ، با توجه به حقوق فردی و اجتماعی مردم ایران که از هدف های انقلاب خونبار ماست ، ما اقدامات خشونت بار و اعدام های هواداران و اعضای جریانات چپ رو را که مطابق تحلیل های بغایت انحرافی شان به اقدامات کودکانه و آنارشستی متوسل شده اند ، به زیان انقلاب می دانیم و از جمهوری اسلامی ایران می خواهیم این روش های خشونت آمیز را که ادامه آن ایران را به همان راهی سوق خواهد داد که دشمنان انقلاب و در راس همه آنان امپریالیسم امریکا می خواهد ، متوقف کند .

وجدان های بیدار مردم ایران و جهان هرگز اعدام نوجوانان را به صرف عضویت در جریانات چپ رو ، داشتن دفترچه رمز و یا شرکت در تظاهرات غیر قانونی و از ایمن قبیل تأیید نخواهند کرد . مجازات این اقدامات هرچه باشد ، قطعاً اعدام نیست و راه جلوگیری از این تشنجات و اقدامات انحرافی این گروهها نیز هرچه باشد ، درافتادن در دام اقدامات خشونت آمیز و دشمن خوشحال کن نیست .

تاریخ نشان خواهد داد که این اقدامات خشونت بار تا چه حد در تضعیف انقلاب ، پراکندگی صفوف مردم و تقویت نیروهای ضد انقلاب نقش داشته و به هدف های انقلاب آسیب رسانده است . اما درست آن است که ما امروز با بهره گیری از تجارب همه جنبش های آزادیبخش و ضدامپریالیستی جهان ، با بهره گیری از همه تجارب تاریخ خونین ایران ، تجربه های تلخ تکرار نکنیم و به راهی نرویم که امپریالیسم و متحدان داخلی آن می خواهند .

اظهارات نماینده سیمای جمهوری اسلامی ایران درباره بحث آزاد ایدئولوژیک نادرست و مغرضانه است

گرداننده محترم بحث آزاد ایدئولوژیک به نام آقای "طیب" در پایان برنامه بحث آزاد روز جمعه ۱۲ تیرماه اظهاراتی نموده است که سراپا نادرست و مغرضانه است. لذا توضیحات زیر جهت روشن شدن ذهن هم‌میهنان نسبت به آنچه گذشته است، ضروری است.

۱- گوینده محترم، سازمان ما را به گونه‌ای معرفی کرده‌اند که گویا این سازمان به خاطر مخالفت با اسلام و اعتقادات مذهبی مردم پدید آمده است. ضمن اعتراض به این نوع اغواگری‌ها بار دیگر اعلام می‌کنیم که سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" نه یک سازمان مذهبی است و طبعاً نه یک سازمان ضد مذهبی بلکه به عقاید و معتقدات مذهبی مردم زحمتکش ایران احترام می‌گذارد و اساس سیاست و خط مشی خود را در دفاع از انقلاب، حفظ و تعمیق و گسترش دستاوردهای آن و بنسب پیکار عادلانه خلق علیه امپریالیسم و ایادی داخلی و خارجی آن قرار داده‌است.

۲- گوینده محترم، سازمان ما را به نقض عهد و امتناع از اجرای تعهدی متهم کرده است که پذیرفته‌ایم. و این مایه کمال تأسف است که چگونه و چرا ایشان حقایقی را که تا این حد محرز است این‌گونه دگرگونه جلوه می‌دهند. مگر ایشان فراموش کرده‌اند که ابتدا طی مذاکرات روز یکشنبه ۲۴ خرداد که با حضور همه شرکت‌کنندگان در بحث و آقایان لاریجانی و غفاری اعضای شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی صورت گرفت و سپس طی نامه رسمی سازمان ما به تاریخ ۳۰ خرداد ماه که به عنوان آقای لاریجانی برای شورای سرپرستی ارسال شده است، سازمان صریحاً خواستار اجرای تمام مفاد قراردادی شده است که قبل از آغاز بحث‌ها بین شرکت‌کنندگان

و شورای سرپرستی نهاده شد. اینکه گوینده تلویزیون (آقای طیب) و سپس آقای آقابابا مسئول ضبط بحث‌های آزاد گفته‌اند، سازمان ما از اجرای مفاد قرارداد امتناع کرده‌اند کاملاً خلاف واقع است. سازمان ما هم‌اکنون نیز یکبار دیگر آمادگی خود را برای اجرای مفاد قرارداد و شرکت در بحث‌های آزاد ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی که طبق قرارداد می‌بایست بطور همزمان ضبط و پخش شوند، اعلام می‌دارد.

۳- آقای طیب گوینده و گرداننده سیمای جمهوری اسلامی خود در تمامی جلسات حتی در همان آخرین جلسه بحث نماینده سازمان ما و حزب توده ایران را از وارد شدن به بحث‌های سیاسی به این دلیل منع می‌کرد که مقرر شده است بحث‌های سیاسی و اقتصادی بطور جداگانه ضبط و پخش شوند اما در پاسخ سؤال صریح ما از آقای غفاری در مورد اینکه چرا سیمای جمهوری اسلامی ایران ضبط و پخش برنامه‌های سیاسی را قطع و بحث‌های اقتصادی را علی‌رغم مفاد صریح قرارداد اصلاً آغاز نکرده‌اند، ایشان سیمای جمهوری اسلامی ایران آمادگی اجرای تمام مفاد قرارداد را ندارد. تنها در مقابل این عدم آمادگی سیمای جمهوری اسلامی ایران بود که سازمان پیشنهاد کرده‌است تا اعلام آمادگی سیمای جمهوری اسلامی برای پیگیری بحث‌های سیاسی و اقتصادی ادامه ضبط بحث آزاد ایدئولوژیک هم به تعویق افتد و تا امروز سیمای جمهوری اسلامی هنوز ما را از آمادگی خود برای اجرای مفاد قرارداد مطلع نکرده است.

۴- مسئولین محترم سیمای جمهوری اسلامی ما را متهم کرده‌اند که از بحث روی جهان‌بینی مادی و الهی استنکاف کرده‌ایم. ما

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شماره: ۱۸۶۶
تاریخ: ۲۰ تیر ۱۳۶۰

آقای لاریجانی

ریاست محترم شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

بپیرومذاکراتی که روزیکشنبه ۲۴ خردادماه جاری در حضور شرکت‌کنندگان در بحث آزاد ایدئولوژیک و آقای غفاری عضو شورای سرپرستی و مسئول برنامه‌های بحث آزاد صورت گرفت. مقرر گردید که سازمان ما رسماً "نظر خود را پیرامون اداه" با توقف بحث‌های آزاد ایدئولوژیک به شورای سرپرستی تسلیم دارد.

اکنون بدینوسیله تصریح می‌شود که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان آنست که تمام مفاد قراردادی که میان شرکت‌کنندگان در بحث آزاد و شورای سرپرستی نهاد شده است اجرا گردد و برنامه‌های بحث آزاد در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی نیز ضبط شوند. چنانکه آقا هدم مطابق فراری که نهادیم ضبط بحث آزاد در زمینه‌های مربوط به ضبط و پخش بحث آزاد در روز میانه دیگر شده است. لیکن اکنون در حالیکه جلسه بحث ایدئولوژیک ضبط و ۵ برنامه آن پخش گردیده است هنوز هیچ بحث اقتصادی ضبط نشده و از ۵ برنامه بحث آزاد سیاسی تنها ۲ برنامه آن پخش و ضبط نشده است. نمایندگان محترم شورای سرپرستی ایران باید از اینکه گویا شرایط برای پخش بحث سیاسی و اداه ضبط آن‌ها را ضابط بحث اقتصادی هنوز آماده نشده است از این نظرواژ آنجا که با ضبط هفتمین جلسه بحث آزاد ایدئولوژیک (در برنامه‌های روز یکشنبه) یک دور کامل بحث آزاد ایدئولوژیک مربوط به بحث دنیا لکتیک به ما با ن می‌رسد به منظور حفظ تعهد نسبت به فراری که نهادیم اداه ضبط برنامه‌های بحث آزاد ایدئولوژیک تا اعلام آمادگی سیمای جمهوری اسلامی ایران برای ضبط و پخش برنامه‌های بحث آزاد سیاسی و اقتصادی به تفویض افتد. سازمان فدائیان خلق ایران یکبار دیگر بدینوسیله آمادگی خود را برای شرکت در هرگونه بحث آزاد در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک و رعایت مفاد قرارداد اعلام می‌نماید.

دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۰ خردادماه ۱۳۶۰

این عین نامهای است که در تاریخ ۳۰ خرداد از جانب سازمان برای آقای لاریجانی رئیس شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی فرستاده شده است که به روشنی موضوع سازمان را در مورد تاکید روی اجرای تمام مفاد قرارداد توضیح می‌دهد.

بقیه از صفحه ۲۰

علیه

اسلامی "به بحث بنشینند و هرچه فوری‌تر به نیازهای انقلاب پاسخ گویند. این نماینده منتخب مردم در ضمن به مجلس هشدار می‌دهد که: "لازم است موارد مهمی از قبیل: واقعه طبرس کودتای نوزده وضعیت بنیاد مستضعفین، سازمان اقتصاد اسلامی، قرارداد تالیوت و غیره برای مردم و نمایندگان روشن شود تا حربه تبلیغاتی از دست ضدانقلاب گرفته شود"

مجلسی که با انقلاب است باید بر همین سیاق حرکت کند انقلاب امروز در طی طریق راه تکاملی خود بدانجا رسیده که دیگر نمی‌تواند در برابر هر کسی که بخواهد به این نیازها بی‌اعتنا بماند، خاموش باشد و بیگمان در ... بررسی موانع این میان، سنگین‌ترین اجرای بند "ج از طرح مسئولیت و وظیفه در قبال قانونی تقسیم اراضی مصوب انقلاب بر عهده مجلس شورای شورای انقلاب جمهوری اسلامی است.

خود را مصروف تصویب قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به "لوايح محوری" کنند، بیانگر برخورد جدی ایشان با مطالبات این مقطع از روند انقلاب است. همین نماینده به درستی در مقام تفسیر مسائل به وسعت تمامی انقلاب از مجلس دعوت می‌کند تا بر سر مواردی نظیر: " ... مشخص کردن نظام توزیع کالا در رابطه با اصل ۴۴ قانون اساسی و تشکیل تعاونی‌ها" ... مشخص کردن سیاست صنعتی و رابطه آن با توسعه کشاورزی در رشد صنایع بومی و حذف صنایع مونتاژ" ...

چنانچه سیمای جمهوری اسلامی آمادگی خود را برای اجرای تعهد خود در ضبط برنامه‌های سیاسی و اقتصادی اعلام نماید، در برنامه‌های بحث آزاد فلسفه نیز شرکت جوید.

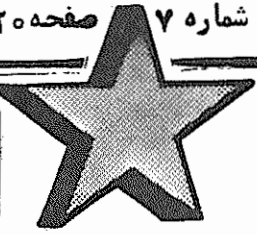
در خاتمه یکبار دیگر از ابتکار مثبت سیمای جمهوری اسلامی ایران در جهت برگزاری جلسات بحث آزاد ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی استقبال کرده و در انتظار رفع محدودیت‌هایی هستیم که سیمای جمهوری اسلامی تصور می‌کند برای ادامه بحث‌ها فرا راه وی قرار گرفته‌است.

عین این توضیحات برای روزنامه‌های جمهوری اسلامی و کیهان فرستاده شده‌است.

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"

۱۴ تیرماه ۱۳۶۰

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران



سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله‌گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مبین و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌ای از پیکار تاریخ‌ساز خلق بزرگ ما هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند.
خون پاک رفا، دشته‌ها و دره‌های مبین را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دیکراتیک فردای بهروزی زحمتکش بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

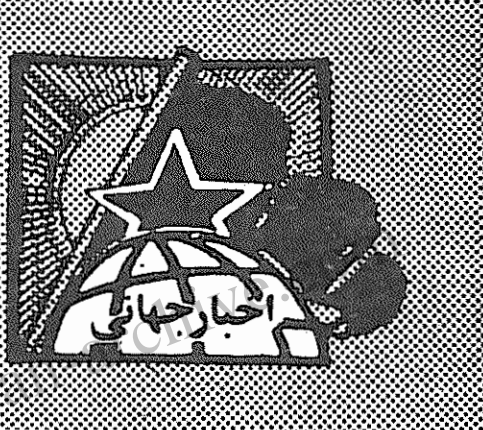
- اکبر بدلی
- اکبر فخور
- امیر امانی
- علی مصاف
- جواد تمجی
- البرزیوسی
- مریم رئیسی
- رحیم فیضی
- سمید کوشش
- بهرام وراهینی
- محمود ایشو
- حسرو کریمی
- حسین شریعی
- عبدالله مرادی
- محمد بسازدار
- نقی اسکویی
- حسین صالحی
- عباس دبه‌دار
- اکرم غفاری
- محمد رضا اکبری اسبق
- غلام عباسی بخرد
- عباس‌الله رنسی
- محمد رضا آذران
- سپید مستحمان زاده
- حبیب‌الله فرج‌بخش
- ابراهیم سکرچی
- عبدالحسن شاه میر
- محمود اشرف آبادی
- فریدون مرتضی زاده
- محمد قاسم فتح بیکی
- محمد مهدی نیت‌اندام
- محمد اسداله نژاد رودبه
- محمد حسین صدر آبادی
- نوری نیکان
- سمید (عباس) آقاپور
- علیرضا خلیلی
- اتر اسباب (زوبین) سلیمانی
- سید رضا طالب موسوی
- منصور حیدری
- کلاطم عدی
- علیرضا کاظمی
- علی حامیرزاده
- ابرج حسین‌با
- لطیف علیزاده
- پرویز کریمیان
- اسحاق بابازاده
- مرتضی دارایی
- زهره موسویون
- وحید نیک سیر
- شهباز باقرزاده
- کورس پاک‌بین
- حمید ولادوست
- غلامرضا صفر نژاد
- محمد رضا جعفری
- منصور دهمانی
- یداله اسماعیلی
- حسن دبه‌دار
- محمد رضا و صاف
- بهراد شیوا

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

دولت باید با برخورد مسئولانه به تسخیر در بالاشگاه سیراز و اصفهان پایان دهد

نماینده کلیر را به مجلس بازگردانید!

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه دوم تیرماه، اعتبارنامه نماینده منتخب مردم کلیر با ۱۰۵ رای مخالف و ۵۰ رای موافق و ۲۸ رای ممتنع رد شد. در مخالفت با اعتبارنامه آقای حسن بهروزیه دلایل "متعددی" ذکر شد که بر اساس گفته یکی از نمایندگان می‌توان این دلایل را اصلی به حساب آورد: (مرتکب شده‌اند) و شکایات بسیاری که از طرف مردم (!) علیه ایشان به مقامات و مراجع شده است و ...
نماینده مردم کلیر هم در پاسخ این اتهامات که گویا از نظر همان نماینده و دیگر نمایندگان مخالف "جرم" بودن آن کاملاً محرز است چنین گفتند: " دستگیری چند فتوادل در منطقه، نقطه آغاز مخالفت‌هایی بود که علیه من شروع شد ... پس از دستگیری آنها (فتوادل‌ها) سیل‌نامه و تلگراف در مورد آزادی این فتوادل‌ها شروع شد ...
و بدین ترتیب روشن می‌گردد که جرم نابخشودنی آقای بهروزیه عبارت بوده است از مبارزه ...
بقعه در صفحه ۱۸



عبد السلام جلود: از صلح، تحت رهبری اتحاد شوروی دفاع کنیم

در صفحه ۱۰

میلیونها دهقان زحمتکش بی صبرانه منتظر اجرای بند ج و د هستند

در صفحه ۹

علیه " یک نظم طاغوتی "

در جلسه چهارشنبه سوم تیرماه یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در تأکید بر وظایف خطیر نمایندگان مجلس در قبال کلیه مسائلی که به سرنوشت مردم و انقلاب مربوط می‌گردد گفت:
" در صحبت‌های قبل از دستور با اولویت‌مسائل در سطح کشور و دروسعت تمامی انقلاب توجه شود و کلیه برادران و خواهران نماینده به این مطلب توجه نمایند که مطابق اصل ۸۴ قانون اساسی یک نماینده در مقابل نه تنها حوزه انتخابیه، بلکه در مقابل تمامی ملت مسئولیت دارد و توجه به حوزه انتخابیه رجعتی است به رسم نظام طاغوتی پیشین و مغایر اصل تفکیک قوا و موجب معطل ماندن قانون اساسی است"
برخورد اصولی این نمایندگان با سائل " دروسعت تمامی انقلاب "، دعوت ایشان از نمایندگان برای مقابله با " معطل ماندن قانون اساسی " و به دیگر سخن ارائه این پیشنهاد به مجلس که تمام وقت و توان ...
بقعه در صفحه ۱۹

توضیح درباره: خبر جعلی صدای امپریالیسم آمریکا

صدای آمریکا در برنامه روز ۱۴ تیرماه به نقل از روزنامه " واشنگتن استار " گفته است:
" بجز کاندیداهای مسلمان چند کاندیدای غیرمسلمان نیز در انتخابات شرکت کرده‌اند از جمله فرخ نگهداری که به خمینی وفادار است و کیانوری که برای تأیید حضور خویش و آزمایش نیرویش در جلب آرا وارد صحنه می‌شود.
روشن است که کارگزاران و مفسران صدای امپریالیسم آمریکا می‌دانند که " خبر " فوق مثل بسیاری از خبرهای دیگرشان کذب محض است. لیکن مسئله این است که چرا آنها به این " خبر " دروغین توسل جسته‌اند. پاسخ روشن است. آنها به امید برانگیختن احساسات و تمایلات معینی در حکومت جمهوری اسلامی علیه کمونیست‌ها و ایجاد و تشدید تمایلات ضد کمونیستی دست به چنین جعلیاتی زده‌اند.
ضمناً صدای امپریالیسم آمریکا مودیانه نیروهای انقلاب را به مسلمان و غیرمسلمان تقسیم کرده‌است که این شیوه قدیمی و افشا شده‌ای است برای جدا کردن و رو در رو قرار دادن نیروهای انقلاب.

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر